

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۳۰ مهر ۱۳۶۳ برابر با ۲۲ اکتبر ۱۹۸۴
پهنا ۴۰ سانتی‌متر - سال اول - شماره ۲۹

توطئه‌های امپریالیستی وتحولات منطقه خاورمیانه

در هفته‌های اخیر در رسانه‌های تبلیغی رژیم جمهوری اسلامی موجی از تبلیغ پیرامون پیشنهاد وزارت امور خارجه به مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مبنی بر اخراج اسرائیل از سازمان ملل، برپا شد. رسانه‌های رژیم کوشیدند در پشت‌گرد و خاکی که به پا کرده بودند، واقعیات چندی را بیوشانند. از جمله آغاز دور تازه‌ای از سفر هیئت‌های عالی رتبه دولت‌های امپریالیستی به کشورهای منطقه خاور میانه و نزدیک در رسانه‌های کشور پزنتاب چندانی نیافت. هلموت کهل صدر اعظم آلمان فدرال در هفته گذشته راهی پاکستان شد. هم‌زمان با این مسافرت، گاسپار و این برگر وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا از چند کشور منطقه و از جمله اسرائیل بازدید به عمل آورد. وزیر مشاور در امور دفاعی دولت بریتانیا نیز رهسپار منطقه گردید. و از چند کشور ساحلی خلیج دیدن کرد. وزیر دفاع فرانسه نیز چند روزی در منطقه خاور میانه بود و کمی پس از او فرستاده ویژه ای‌زسوی میتران، رئیس‌جمهوری فرانسه از کشور اردن دیدار به عمل آورد. وزیر خارجه ایتالیا در مسافرت رسمی به عربستان، با سران این کشور به

بقیه در صفحه ۲

پی‌آمدهای تظاهرات گسترده ورزشگاه امجدیه و بازتاب این اقدام اعتراضی در مطبوعات رژیم

تظاهرات اعتراضی عظیم ۱۷ مهر ورزشگاه امجدیه تهران که شرح آن در شماره پیشین "اکثریت" درج شد، پی‌آمدهای مختلفی داشت. اولین عکس‌العمل آن بود که مسابقات فوتبال، که مرکزی است برای اجتماع دهها هزار نفر جوان، تا زمان نامعینی به تعویق افتاده شود. کار رژیم دیگر به جایی رسیده است که از هر تجمع خود جوش هراسان است و می‌ترسد چنین اجتماعاتی زمینه بروز نارضایتی‌های عمیق مردم گردد.

روزنامه‌های رژیم تلاش کردند، ریشه‌های جریان از دیده‌ها پنهان ماند. آنها وقیحانه به تظاهرکنندگان لقب "ویاش و ارادل" دادند و "قاطعیت بیشتر نیروهای سرکوبگر را در این گونه موارد خواستار شدند. موضوع، طبق

بقیه در صفحه ۳

تعدد زوجات و ترویج آن: مظهر بربودیت و سیاه‌فکری ج.ا.

"حقوقی که جمهوری اسلامی برای زنان در خانواده منظر داشته است تابعی است از جایگاه زنان در کل جامعه از دیدگاه رهبران این رژیم. وقتی که "به زن" به عنوان موجودی مهجور و ناقص‌العقل - که ذاتاً "بارگنا و ولیه" را بر دوش می‌گذرد و به مقابله‌ی بی‌سازمان اصلی همه‌گونه فساد تنگ‌نظر است و بر این اساس از همه عرصه‌های خلاق زندگی اجتماعی طرد گشته و در قفس‌خانه محبوس گردد، در جمع خانواده نیز نمی‌تواند دارای هیچ‌گونه حقوق و حقوقی باشد. خوشبختانه برخی هنجارهای پسندیده مردمی، جلوی فراگیر شدن دیدگاه‌های ارتجاعی رهبران رژیم در زمینه حقوق زنان در خانواده را می‌گیرند و گرنه در صورت تحمیل این نظریات اصولاً ضد بشری، می‌بایست خانواده‌های بسیاری را در معرض تلاشی دید

بقیه در صفحه ۶

در صفحه ۶

نخستین گامها در راه اتحاد نیروهای چپ

مصاحبه‌ی مجله مسائل صلح و سوسیالیسم با حکمت ازکوت، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه

نتیجه حرس و آزر سرمایه‌داران برای سود بیشتر:

سانحه، نقص عضو و مرگ برای کارگران

سوانح قابل پیشگیری نشوند. بنا به گزارش مسئولین بیمارستان "فیاض بخش" واقع در غرب تهران، طی ۸۰ روز از سال ۱۶ یعنی از تاریخ ۱۰ مهر تا آخر دی ماه سال مزبور تعداد ۱۲۲۸ نفر مجروح از کارگاه‌های مختلف به درمانگاه عمومی این بیمارستان منتقل شد. (کیهان - ۸ مهر) این تنها گزارش بیمارستان است. برای داشتن یک برآورد آمیزان سوانح در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها کافی است یک نفر به عنوان نمونه حدود ساعت ۱۱ صبح به

بقیه در صفحه ۱۰

آشفته بازار ناشی از سیاستهای ضمردی رژیم، میدان مناسبی را برای تشدید غارتگری سرمایه‌داری و استعمارم افزون کارگزاران و زحمتکشان میهن ما ایجاد نموده است. سرمایه‌داران شیره‌جان کارگران را می‌کشند و با اتکا به "مراحم" جمهوری اسلامی آنچنان برای کسب سود هر چه بیشتر و هر چه سریع‌تر حریص‌گشته‌اند که هر گونه ضابطه یعنی را زیر پا گذاشته و بر جان زحمتکشان نیز چنگ افکنده‌اند. روزی نیست که در واحد‌های تولیدی دهها حادثه اتفاق نیفتد و کارگران بسیاری دچار

پاسخ رفیق شرودر، عضو هیات رئیسه حزب کمونیست آلمان به پرسشهای "اکثریت"

با مردم ایران پاسخ گفت.

رفیق شرودر، در رابطه با چشم‌انداز و سهمین سالگرد تولد حزب توده ایران، اظهار داشت: "ما به حزب توده ایران به مثابه حزبی میهن پرست، حزبی متعلق به مردم ایران، و در عین حال حزبی انترناسیونالیم، که به اتفاق سایر احزاب کمونیست و کارگری جهان در راه تحقق آرمان‌های کارگران و دهقانان و زحمتکشان می‌رزم، احترام می‌گذاریم

بقیه در صفحه ۱۰

رفیق کارل هاینتس شرودر، عضو هیات رئیسه (دفتر سیاسی) و دبیر خانه هیات رهبری (کمیته مرکزی) حزب کمونیست آلمان، در جریان مراسمی که به مناسبت سی و پنجمین سالگرد بنیانگذاری جمهوری دموکراتیک آلمان برگزار گردید، در مصاحبه‌ای با خبرنگار ما شرکت‌جسته و به پرسشهایی پیرامون مبارزات حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، روابط آلمان فدرال با جمهوری اسلامی، جنگ ایران و عراق و همبستگی

احزاب و سازمان‌های ترقیخواه در یونان (هندوستان) جنگ افروزی و سرکوبگری ج.ا. را محکوم کردند

در صفحه ۷

☆☆☆

ابراز همبستگی با جوانان و دانشجویان انقلابی ایران در کنفرانس "اتحادیه سوسیالیستی دانشجویان" آلمان فدرال

در صفحه ۵

کوئوله‌های هیولا

در حاشیه آقا ریز شیخ صادق خلخالی

در صفحه ۴

متحد شویم! علیه کشتار و اختناق در ایران بپا خیزیم!

توطئه‌های امپریالیستی و تحولات منطقه خاورمیانه

بقیه از صفحه اول

مذاکره نشست . رسانه های بین المللی خبر دادند که تعدادی دیگر از دولتمردان کشورهای امپریالیستی در صدد مسافرت به کشورهای این منطقه هستند که از جمله آنها سه هیئت انگلیسی به سرپرستی وزرائی از دولت تاچر می باشند . یکی از این هیئت ها را وزیر دفاع و دولت بریتانیا سرپرستی خواهند نمود .

سکوت نسبی رسانه های دولتی ایران نسبت به گشت و گذار این مهمان های ناخوانده ، از اهمیت این دیدارها کم نمی کند . این دیدارها بخشی از اقداماتی است که به دولت های امپریالیستی در راستای پیشبرد طرح ها و دسائس مفسده جویانه خود انجام می دهند ، تا بر مقاومت خلق های منطقه چیره شوند .

حقیقت اینست که روند اوضاع در منطقه به کام امپریالیستها نیست . برخلاف آنچه که دکتر سر ولایتی ، وزیر امور خارجه رژیم جمهوری اسلامی ، طی سخنرانی در مجمع عمومی ملل متحد تصویر کرده بود ، صحنه سیاسی منطقه خاور میانه و نزدیک ، بیانگر قدرت فائقه نیروهای امپریالیستی و ضعف و پراکندگی نیروهای مترقی نیست . ولایتی در آن سخنرانی کوشیده بود تصویر سیاه و تیره ای از روند تحولات در این منطقه ارائه نماید ، او زیر لجاجی از کلمات پرطمطراق و نمود کرد در اینجا قدرت های امپریالیستی هر آنچه که بخواهند ، انجام میدهند و در برابر آنان تنها مرد می هشتت و در مانده قرار دارند . وزیر خارجه ایران در پشت آن لعاب نازک ، بیهوده واقعیه ستایش امپریالیست ها پرداخته بود .

اما از مرور بر تحولات این منطقه میتوان دریافت که مقاومت خلق ها کار تجاوزه کساران و مداخله گران را دشوار ساخته است . آنچه را که آنها با کار بسیار بدست آورده بودند ، از دست میرود . مقاومت مردمی که در راه کسب و تحکیم استقلال می رزمند ، کار آنان را در حفظ مواضع ، هرچه مشکل تر کرده است .

در سال های آغازین این دهه ، امپریالیست ها همه چیز را به کام خود میدیدند امید داشتند بر پایه موضعی که به چنگ آورده بودند ، باقی مانده سنگرهای مقاومت را نیز تصرف نمایند . روند کمپ دیوید ، که مدتی پیش از آن آغاز شد ، به بار نشست بود . علاوه بر رژیم سادات برخی دیگر از رژیم های مترجع عربی نیز در پشت در این پیمان در انتظار نوست و فرصت ایستاده بودند . دروازه های تاسیسات نظامی ارتش مصر رو به روی نیروهای نظامی آمریکا گشوده شد . صحرای سینا به پایگاه نظامی و جاسوسی پنتاگون تبدیل گردید .

جنگ ایران و عراق با شدت ادامه داشت و بهره گیری آمریکا از آن آغاز شده بود . این دستاورد می رفت تا اندوه ناشی از سقوط شاه را کاهش دهد . دیگر دورنمای سیاسی ایران چندان برای امپریالیست ها تیره نبود . " نشانه های مثبتی " در افاق سیاسی ایران برایشان پدیدار شده بود . حضور دائمی واحد های هوایی تجسسی (آواکس) در خلیج فارس آغاز گردید و مکمل دستگاه های اطلاعاتی ردیابی مستقر در صحرای سینا شد . بر زمینه چنین تحولاتی اجرای طرح های امپریالیستی با شتاب یکی پس از دیگری پی گرفته شد . کار ایجاد واحیاء بلوک بندی های ارتجاعی از سر گرفته شد . شماره اولیسه آن " شورای همکاری خلیج " بود که دول مرجع جنوب خلیج را به هم پیوند می داد . پادشاهی عمان که در همه خاکش پایگاه های آمریکایی مستقر گردیده بود ، یکی از اعضا این پیمان بود . در منتهی الیه منطقه ، در پاکستان ، پنتاگون پایگاه های دیگر به چنگ آورد . در این پایگاه ها نیز دستگاه های پیشرفته جاسوسی مستقر گردید . دل بستگی آمریکا به ضد انقلاب افغانی مستقر در پاکستان هنوز بسیار بود . ضد انقلاب افغانستان هم چنان میتوانست به نحوی لجام گسیخته ، علیه انقلاب این کشور خرابداری کند .

کوته بینان کاخ سفید برای ترک تازی های خود مانعی نمی دیدند . به دستور آنها ، ارتش اسرائیل با حمله گستاخانه به لبنان و بد قیمت سفاکی های کم نظیر ، بخش هایی از خاک این کشور مستقل را اشغال کرد تا بر مقاومت مردم لبنان و فلسطین غلبه کنند . برای درهم شکستن پایداری سوریه ، نیروهای اسرائیلی در مرزهای آن کشور آرایش یافتند . فشار بر سوریه متمرکز شد .

ظاهرا همه چیز به دلخواه مرتجعین پیش می رفت . اما بن بست بزودی چهره خود را به آنها نمایاند . نه سوریه تسلیم شد و نه مقاومت در لبنان درهم شکسته شد . اخطار شدید اتحاد شوروی ، تا نك های اسرائیلی را در پشت مرزهای لبنان و سوریه متوقف کرد . مردم لبنان روزمندگان فلسطینی برخوردار از پشتیبانی قاطع دوستان جهانی خود ، عرصه را بر اشغالگران اسرائیلی تنگ کردند . شادگامی اولیه اشغالگران و حامیان آنها ، دیرپا نبود . بر چنین زمینه ای روند کمپ دیوید بکلی متوقف گردید .

در شبی برای برون رفت از این بست تفنگ داران آمریکایی درینا ماش توپ ناوهای غول پیکر ، به لبنان سرزیر شدند . همراه با

آنان نفرت نظامی شرکای ناتوی آمریکا نیز وارد صحنه لبنان شدند . اما علیرغم آن همه مبارزان ها و کشتارها نتوانستند بالاخره حتی بیروت خشمگین را آرام سازند . نیروهای مقاومت ، کار اشغالگران را زار کردند . به ناچار سربازان کشورهای عضو ناتو ، لبنان را رها کردند . روشن است که هیچ گاه امپریالیستها و مرتجعین به اراده مردم تمکین نخواهند کرد . آنها نه از سر قدرت بلکه در فراس از قدرت و پایداری دلیرانه خلق های منطقه ، راه گسترش باز هم بیشتر مفسده جویی های نظامی را در پیش گرفته اند . همانگونه که نشریه شوروی " عصر جدید " تفسیر کرده ، در صدد احیاء و بازسازی بلوک بندی های نظامی ارتجاعی هستند ، البته این بار با شکل و شمایلی بزرگ کرده .

امپریالیست ها از میان همه ناکامی ها به دستاورد های خود در ایران دل بستند تا بتوانند با کمک آن ، حلقه های گسسته زنجیر پیمان های ارتجاعی را ترمیم نمایند . امپریالیست ها جای مهمی را در این طرح شوم بسته جمهوری اسلامی اختصاص دادند . مناسبات گسترده سیاسی و نظامی " میان ایران با ترکیه و پاکستان ، زمینه مناسب را برای امیدواری امپریالیست ها فراهم آورده است . دولت مردان آلمان فدرال در مسافرت های پی در پی به این سه کشور می کوشند حلقه های پیوند میان آنکارا ، تهران و اسلام آباد را مستحکم نمایند . برودت مناسبات میان ایران و اعضا شورای همکاری خلیج و از جمله پادشاهی سعودی از میان رفته و آنگونه که طرفین اعلام میدارند جای خود را به مذاکرات سازنده " داده است .

همکاریهای نظامی پاکستان با کشورهای جنوبی خلیج بازم گسترش بیشتری یافت . دیدند و باز دید های مقامات عالی رتبه نظامی مصر و ترکیه و عربستان و ترکیه ، دیگر شرکای این طرح را با یکدیگر هماهنگ می نماید . امپریالیست ها نیز بمانند رفسنجانی ، سخنگوی اصلی رژیم ایران امید وارند بتوانند اتحادیهای تجاوزه کارانه از کشورهای ارتجاعی منطقه ، در برابر کشورهای سوسیالیستی و ترقی خواه پدید آورند . تجاوزه اخیر نظامی ایران به خاک افغانستان انقلابی گوشه ای از وظایفی را نشان میدهد که این بلوک بندی باید بر عهده بگیرد .

اما هشاری خلق های منطقه ، فرصت چندانی برای امپریالیستها باقی نمی گذارد تا نقشه های شوم خود را دنبال نمایند . اینك در منطقه خاور میانه و نزدیک ، امپریالیست ها و ایادی آن از هر زمان دیگری رسواتر شده اند . سال های درازی از آن زمان که " پیمان بغداد " سرهم بندی شده بود سپری گشته است . برخلاف آرزوهای شوم مرتجعین ، تاریخ را نمیتوان به عقب برگرداند . مبارزه مردم این باز نیز نقشه های امپریالیستی و ارتجاعی را نقش بر آب خواهد کرد .

پی آمدهای نظاهرات گسترده ورزشگاه امجدیه وبازتاب این اقدام اعتراضی در مطبوعات رژیم



هماهنگی با ارگانهای زیربط مسابقات باشگاهها
تهران ادامه پیدا خواهد کرد .

روابط عمومی سازمان تربیت بدنی :

نظر به این که مسابقات فوتبال دسته اول باشگاههای تهران در هفته های اخیر به علت شرایط فصلی و تبلیغات نسبتا زیاد ۴۰۰ با هجوم کم سابقه تماشاگران مواجه گردیده ۴۰۰ و نیز ورزشگاههای داخل شهر تهران گنجایش علاقمندان ورزش را نداشته و شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اعلام کرده است که به علت نیاز مردم در داخل شهر تهران امکان جابجایی تماشاگران را به ورزشگاه آزادی ندارد لذا به ناچار انجام مسابقات فوتبال دسته اول باشگاههای تهران تا تاریخ آماده شدن ورزشگاه تختی در جنوب شرق تهران و تکمیل طرح گسترش ورزشگاه شهید شیرودی برقراری سرویس اتوبوسرانی، به تعویق می افتد .

اطلاعات - ۱۹ مهر :

در رابطه با حوادث ۲ روز پیش ورزشگاه شهید شیرودی طبق حکم دادستان تهران محمد جانفدا سرپرست هیات فوتبال تهران، از سوی شعبه بازرسی ویژه با قرار ۳ میلیون ریال بازداشت و روانه زندان شد .

اطلاعات - ۲۲ مهر :

محمد جانفدا سرپرست هیات فوتبال تهران در گفتگویی خبر بازداشت و زندانی شدن خود را تکذیب کرد . وی در این گفتگو اعلام داشت : مساله صدور حکم جلب و دستگیری من مطلقا در میان نبوده .

سرپرست سازمان تربیت بدنی :

(جانفدا) رئیس هیات تهران مقصر بوده و هرچه زودتر باید برکنار شود .
(جمهوری اسلامی - ۲۴ مهر)

کپهان ورزشی - ۲۱ مهر :

" انبوه خلق برای بروز رفتارهای نا بهنجار (آن گاه که دچار عصیانیت می شود) نیاز به محرک دارد و عوامل تحریک می توانند آگاهانه در صحنه حاضر شده و یا آن که تحریکات خود را ناخود آگاه انجام دهند این تحریکات می تواند ریشه های روانی - اجتماعی - اقتصادی - سیاسی و ۴۰۰ داشته باشند ."

ورزش ۴۰۰ به دادن شمار و پرتاب سنگی پرداختند . علی رغم تذکر مسئولین برای آرام کردن این عناصر مفسده جو این عده به تظاهرات ورزشگاه حمله کرده و با شکستن شیشه ها و آتش زدن تشکهای پرش و نیز کندن دیرکهای دروازه ها به ورزشگاه خساراتی وارد کردند . حرکات زشت و شرم آور این عناصر باعث شد که جوی از اغتشاش در ورزشگاه ایجاد شود و با بیرون آمدن تماشاگران از ورزشگاه شهید شیرودی، ترافیک سنگینی بر خیابانهای منطقه شرق تهران حاکم شد که تا ساعتها به طول انجامید .

جمهوری اسلامی - ۱۹ مهر :

عصر روز سه شنبه به هنگام برگزاری مسابقه فوتبال و به دلیل ازدحام تماشاگران ورزشگاه در ورزشگاه شهید شیرودی، یکبار دیگر صحنه زشتی از جانب گروهی اوباش در محیط سالم و پاک ورزشگاه به وقوع پیوست . آنچه تاسف انگیز است ، این است که در زمانی که رزمندگان اسلام می روند تا آخرین ضربات را بر بیקר فرسوده رژیم غفلقی و صهیونیستی صدام وارد آورند و مسلمین عراق



را از بند ها و زنجیرهای حزب تیف بعت تراق آزاد سازند ، عده های فرصت طلب از ضعف هیات برگزاری مسابقات فوتبال باشگاههای تهران سوء استفاده کرده و به خود اجازه می دهند محیط ورزش را که مکانی است برای باوروری ارزشها به جنجال بکشانند ۴۰۰

استادیوم ورزشی خصوصا استادیومهای فوتبال زمینه های زیادی را دارا می باشند که مورد استفاده بسیاری از جریانات منحرف و مخرض و گاه ضد انقلاب واقع می شود . ۴۰۰

اطلاعه فد راسیون فوتبال :

۴۰۰ از امت حزب الله می خواهیم بسا شناسایی و معرفی و خنثی سازی این گونه حرکات و با حضور مستمر در صحنه در سالم سازی جامعه ورزشی جمهوری اسلامی مارا یاری رسانند .
شیناسایی مجریان تحریک شده ۴۰۰ تحت بررسی است .
به زودی ضمن بررسی مسائل موجود در

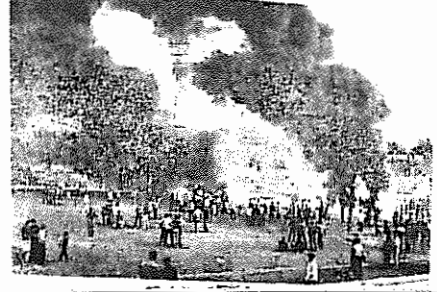
بقیه از صفحه اول
معمول زمینه ای شد تا باند های مختلف که در عرصه ورزش نیز رسوخ کردند ، به جان هم افتاده و یکدیگر را افشا کنند .

در زیر به انعکاس تظاهرات ۱۷ مهر در مطبوعات رژیم ، نظر می افکنیم :
شرح روداد از زبان کپهان (چهارشنبه ۱۸ مهر)

۴۰۰ از ساعتها قبل از شروع این دو بازی هجوم بی امان تماشاگران به این ورزشگاه ، نگرانی هایی را برای مامورین انتظامی به وجود آورد . ۴۰۰ ناگهان ازدحام بیش از حد گنجایش ورزشگاه باعث گردید در سهای ورودی ، جایگاههای ویژه ، ساعت و نواکن ها یکی پس از دیگری به تصرف تماشاچیان در آید و ناگهان از چند نقطه جمعیت با پاره کردن تهره های سیمی اطراف به داخل زمین هجوم آوردند . در ابتدا در اطراف زمین و بر روی پیست دوومیدانی مستخر شدند که در این لحظه بلندگوی ورزشگاه اعلام نمود که بازی انجام نمی شود و به روز دیگری موکل می شود از این لحظه تماشاگران همراه با شعارهایی که بر علیه رئیس فوتبال تهران می دادند ، میدان را عرصه تاخت و تاز خود نمودند و به دروازه های میدان حمله کرده و آنها را از جای کنند و سپس تشکهای مخصوص پرش را به آتش کشیدند و لحظاتی بعد با مداخله مامورین انتظامی ورزشگاه از جمعیت تخلیه شد و این موج اعتراض به داخل خیابان و درب ورودی کشیده شد و سرانجام با حضور به موقع مامورین انتظامی غائله خاتمه یافت و در این میان ۱۹ نفر مجروح که یکی از آنها دچار خونریزی مغزی گردیده و حالش وخیم است ، بر جای ماند . علاوه بر این کلیه شیشه های داخل استادیوم شکسته و پیست " تارتان " ایسین مجموعه همراه با تشک های پرش ارتفاع و قسمتی از چمن به آتش کشیده شد و همچنین دروازه ازجا کنده و صندلی ها نیز تا حدودی خسارت دید .

روزنامه جمهوری اسلامی - ۱۸ مهر :

۴۰۰ دیدار دوم بین تیمهای پاس و پرسپولیس به دلیل ازدحام تماشاگران و اغتشاش گروهی تماشاگرها مفسده انجام نشد . ۴۰۰ گروهی تماشاگرها با زیر پا گذاشتن حریم مقدس



در حاشیهٔ اقاریر شیخ صادق خلخالی

کوئوله‌های هیولا

می‌کنیم. او نام‌آشنایی دارد. شیخ صادق خلخالی^۱ او اکنون دارد چهره کریه خود در زیر عنوان پرطمطراق "خاطرات سیاسی" برصفحات چرکین یکی از روزنامه‌های رژیم، به تصویر می‌کشد. این کوئوله همچون بسیاری از هم‌پالگی‌های خود جنایتکار است سفیه: موجودی است حقیر که با تحقیر تاریخ را برد و ش می‌کشد، اما می‌پندارد مرکز جهان است و قریباً برانگیخته خواهد شد تا به حکمت در باره همه جهان‌نیسان بنشیند.

او به قول سعدی "پرورد منعمت بزرگان" است و ریزه خوار سفره ایشان، آنچنان که خود او تصویری کند چه پیش از رفتن به "حوزه" و چه بعد از این که عمامه به سر نهاده، آموخته است که باید مدیون تجارت‌مشرعی باشد که با پرداخت "وجوهات"، روزی او را فراهم می‌کنند. او همچون هم‌پالگی‌هایش جایگاهی در تو لید اجتماعی ندارد. اما روزه اندیشه، زائنده مناسباتی پوسیده و زوال یافته است. ترس از زوال، همچون ترس از زرخ و به او القاشده است. همین ترس او را به پرخاش و امی دارد، هم در برابر تکامل اجتماعی و چشم انداز استقراریک مناسبات بالنده، و هم در برابر مناسباتی که او را خرید می‌سازد و نمی‌تواند سهمی جز صدقه برای او منظور کند. او پیش از این که نفرت از این مناسبات را در دل جای دهد، نفرت به میرانگران این مناسبات را آموخته است. امروز برخی است قابل تحمل، اما فردا: "قناعت‌الانار!"

مخالفت امثال خلخالی با رژیم شاه در قالب جریانهایی چون فداییان اسلام پیش رفت. است. فدائیان اسلام تشکلی بود که از یکسو هم رزم آرا را نشان می‌گرفت و هم مصدق و فاطمی را و از سوی دیگر از هیچ نیرویی همچون کمونیستها، نفرت به دل نداشت. یک سلسله عوامل اجتماعی - سیاسی به این جریانات پیرو بال می‌دهد. انقلاب که تجلی می‌یابد، آنها را از آوری بلکه از پیشداوری توده‌ها، نیرو می‌گیرند. خلخالی نیز در این میان همچون بقیه عرض‌اندامی کند. جایگاه روحانیت در قیام با سرعت مستحکم ترمی شود. خلخالی نیز نیارابه کام خود می‌بیند. عجب محجزه‌ای! خود ایش را هم نمی‌دید. امر او نیز مشتبه می‌شود. دیگر همه شیخ صادق ها خود را دارای عصای موسوی و دم عیسوی می‌پندارند. او هم غریبی پستوهای ذهنشان را پر می‌کند. "من که وارد تهران شدم، شاه گریخت" خلخالی فرار شاه را چنین توضیح می‌دهد. قیام جریسان دارد و آنها غاصبان سخنگویی آتند. بالاخره بهمین ازکوه فرود می‌آید، در دشت به لوزه می‌افتد و آنها به عرصه قدرت، پرتاب می‌شوند. خلخالی حاکم شرعی می‌شود و حکم اعدام به برخی مهره‌های رژیم پیشین می‌دهد. این احکام را انقلاب صادر

آندم که شفق سرخ انقلاب بر سرتاسر خاک یک کشور، دامن می‌گستراند، مردگان نیز از خواب برمی‌خیزند. اجساد یاخود به رقص در می‌آیند و یا چونان بختگی بر روی زندگان می‌افتند.

شوخی طبیعی تاریخ که به طنزی تراژیک می‌ماند، آندم گل می‌کند که نقش اول را به مردگان و انهد. مارکس احیای مردگان را در جامعه با آنا و یسم در علوم زیستی مقایسه می‌کند. آنا و یسم یعنی بازگشت به هزاران سال قبل. به ناگهان موجودی زاده می‌شود که در کراحت منظره بو زینگان می‌ماند. او عنصری است بازمانده از یک نسل مضحل. او به دنیا می‌آید نه برای زیستن و نه برای حیات بخشیدن. او به یک سلسله منقرض. تاریخ به عقب برمی‌گردد. او به دنیا می‌آید تا بعیرد. قاعده به تعامی فراگیر می‌شود.

مرده احیاشده، وجودش با مرگ سرشته است. او همواره رو به پس دارد. آن هنگام که زنده طبیعی بود و طبیعی نفس می‌کشید. او پیش از این که برای همیشه بعیرد می‌خواهد همه را بعیراند و بر همه چیز، تخم مرگ بیفشانند. احیای مردگان، به راستی تلخ‌ترین شوخی تاریخ است. در انقلاب بهمین، این بازی تلخ، جلوه پیدا کرد. از بنجامین فرانکلین که خلق بسه غلیان در آمده بود، موجوداتی ناقص الخلقه و کریه‌العنظرنیز فرصت برون جستن یافتند. مجموعه ای از تضادها و تعادلهای بر ستر مناسبات موجود اجتماعی به آنان فرصت عرض‌اندام داد. این کوئوله‌های هیولا به گردونه قیام چسبیدند و به جایگاه قدرت پرتاب شدند. انقلاب زاد آنها نبود، از خود بیگانگی آنها زاده انقلاب بود. آنها دیگر نمی‌توانستند خودشان باشند. حتی آن هنگام که به موازات انقلاب گام برمی‌داشتند، خودشان نبودند. این انقلاب بود که پیش می‌رفت و آنها را به پیش می‌کشید.

انقلاب شمشیر بر کف آنها نهاد. آنها با دم‌کنند این شمشیر بر ساط کهنه کوبیدند و تا آن حد که لازم بود برای دستگاه دولتی خود جا بکشایند، تخریب دستگاه پوسیده پیشین را با اکراه تحمل کردند. قدرتشان که مستقر شد، لبه تیز شمشیر را بر گردن انقلاب فرود آوردند. انقلاب که از یاد آمد، فریاد برکشیدند که دیگر خودمان نیم و خودمان. اما آنان خودشان نبودند. این مناسبات کهنه بود که بعد از آنهمه شو رو غلیان پاهر جامانده و آنسان را در چنبره خود گرفته بود.

این مرتجعین پر خاشگر، این خفاشان کور مدعی بلند پروازی، این حقیران خود پرست، به راستی موجودات عجیبی اند. اینسان منادیان دروغین بهشتند اما از و زخ سر بر آورده اند. لحظه ای بر روی یکی از آنان تا مسل

کرده بود. خلخالی بر مسند اجرای آنها می‌نشاند و وجه اله می‌شود. او دیگر سرانسیا نمی‌شناسد. حال می‌تواند ریاسخ به یک تحقیر تاریخی، همه چیز را تحقیر کند. او آنچه را که از نیروی انقلاب، بنا بر منزلت خود در عرصه قدرت، در اختیار دارد، در راستای حقارت‌های خود، به حرکت در می‌آورد. او حاکم شرع بلخ و هرات هزار سال قبل است اما شوخی تاریخ او را بر کرسی حکمیت انقلاب نشانده است. این شوخی را باید جدی گرفت و این مسند را دست چسبید! تاریخ دیگر از این لطفها نخواهد داشت. چاره ای جز متوقف ساختن زمان نیست و هر آنچه را که جاری است. دم تیز شمشیر را بیکر انقلاب را نشانه می‌گیرد. شیخ صادق راهی ترکمن صحرا و کردستان می‌شود و یادستاری باند‌های سیاهی که دور او بر او را گرفته‌اند، دست به کشتاری زند.

او بالذات هیستریکی از این کشتارها دم می‌زند: "۶ نفر را محکوم به اعدام کردیم آنوقت او ضاع آرام شد. ۹۰۰ من نفس را (در کردستان) محکوم به اعدام کردم. آنها را اعدام کردند و آب از آب تکان نخورد (۱). ۰۰۰ در سردشت و بانه و تمام کردستان ما حاکمه داشتیم. ۰۰۰ ما مثل اجل معلق سر می‌رسیدیم. ۰۰۰ هر کسی را بگیریم در دستش اسلحه بود باشد، حکمش اعدام است. ۰۰۰"

خلخالی وقتی به شرح جنایات خود به عنوان عامل مستقیم حکومت در ترکمن صحرا می‌رسد برای اولین بار علت به یک جنایت هو لاناک اعتراف می‌کند:

"من با قاطعیت در گنبد وارد شد. یکی از کارهای برجسته و انقلابی ام (۱) در گنبد بود. مادستور دادیم هر کسی را که مسلح باشد بیاد رند که آورد ندیگی، دوتا سه تا، پنج تا، هر کسی را که مسلح آوردند ما اعدام کردیم. این جریان را که می‌گویم شاهد زنده داریم: آقای مصفا استانداران زمان ما زنده را - آقای دادستان آن زمان ما زنده را، دادستان کل و آقای درویش رئیس سپاه پاسداران گنبد - آقای درازگیسو که چندی پیش سفیر جمهوری اسلامی ایران در لبنان شرقی بود - آقای نو روزی اصفهانی بچه خیلی خوبی بود که به دست همین گرو هکباد در خیابانهای تهران به درجه شهادت رسید - آقای بنفشه رئیس سپاه پاسداران ایلام اگر شهید نشده باشد - و چه بگویم برای شما آقای هاشمی - حاج احمد آقا - شخص حضرت امام - خود آقای منتظری و همه مسئولین - آقای دکتر بهشتی و آقای قدوسی - کیست که نداند این جریانات را؟ همه می‌دانستند. آقای رفیق دوست هم می‌داند. ۹۴ نفر من جمله - تو ماچ - واحدی - مختوم - جرجانی، اینها را باند ما اعدام کردیم. ۹۴ نفر را اعدام کردیم یک نفر. ۰۰۰ من با قاطعیت اسلامی در گنبد وارد جریان شدم و خلق ترکمن را در آنجا کوبیدم. ۰۰۰ من اینها را و لاین باریست که گفته باشم، و لسی در جراید او لاین با راست منتشر می‌شود. ۰۰۰"

ابراز همبستگی با جوانان و دانشجویان انقلابی ایران در کنگره "اتحادیه سوسیالیستی دانشجویان" آلمان فدرال

در روزهای ششم و هفتم اکتبر سال جاری، بیست و پنجمین کنگره "اتحادیه سوسیالیستی دانشجویان" در شهر مونستر آلمان فدرال برگزار شد. در این کنگره، بیش از ۵۰۰ نفر نماینده، ناظر، خبرنگار و گزارشگر رسانه‌های گروهی شرکت داشتند. به دعوت مرتزقیست اتحادیه سوسیالیستی دانشجویان (SüdB) (اس.ها.ب.) هیئت نمایندگی سازمانهای مکرراتیک و انقلابی جوانان و دانشجویان از جمله، عبارت بودند از نمایندگان شوروی دانشجویی کمسومول اتحاد شوروی، دبیرخانه سازمان جوانان آزاد آلمان دیمکراتیک، دبیرخانه مرکزی اتحادیه بین المللی دانشجویان، سازمان جوانان کمونیست چکسلواکی، کمسومول بلغارستان، جبهه انقلابی دیمکراتیک جبهه آزاد بیخشمی قارابوند و مارتی السالوادور، سازمان دانشجویان و جوانان سوپو-نامیبیا، کنگره ملی آفریقا (آفریقای جنوبی)، سازمان دیمکراتیک جوانان افغانستان، جبهه ساندینیستی آزادی ملی نیکاراگوئه و جوانان سوسیالیست شیلی ۱۰۰ س. همچنین از سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثريت) برای شرکت در کنگره دعوت به عمل آمده بود. از سوی جوانان فدایی خلق ایران (اکثريت)، یک هیات دانشجویی در این کنگره شرکت کرد.

در گزارش مرکزیت ۱۰۰ س. د. به کنگره، که توسط رفیق فیت زاس (Fiete Saz) قرائت گردید، با اشاره به تحولات اخیر در ایران از روند منفی رویدادها در میهن ما ابراز تاسف کرده است. در این گزارش ضمن محکوم کردن کشتار و شکنجه زندانیان سیاسی ایران و سکوت تایید آمیز کشورهای امپریالیستی در قبال آن، آزادی برای همه نیروهای دیمکراتیک اپوزیسیون در ایران و پایان جنگ ایران و عراق خواسته شده است.

می گویند قتل (رهبران خلق ترکمن) قتل عمدی بوده. بلکه عمدی بوده. من توماج، واحدی، مختوم و جرجانی را بگذارم که چی؟" (آزادگان - ۲۸ شهریور)

سران رژیم آن هنگام که از طریق خلخالسی دست به ترور جنایتکارانه رهبران خلق ترکمن زدند، مدبوخانه تلاش می کردند دستهای آلوده شان را پنهان سازند. در آن زمان ارتجاع تا بدین حد قلبه نیافته بود و اذعان به این جنایت، با فریبکاریهای آن هنگام مرتجعین همخوانی نداشت. آن زمان نمی شد علناً به این اندازه از جنایت سند اقتباس ساخت. اما اکنون همه جنایتکاران از خیانتهای خود دم می زنند تا بر نصیبشان از خون بیگناهان افزوده گردد. اقرار بر خلخالسی در زمینه کشتارهای در ترکمن صحرا و کردستان، تنها قسمتی از اقدامات پلید و سست کارنامه سیاه اعمال این چانی، بخشی از کارنامه

پیام هیئت دانشجویی جوانان فدائیان خلق ایران (اکثريت) به کنگره، توسط برگزار کنندگان کنگره به زبانهای فارسی و آلمانی در میان نمایندگان کنگره توزیع گردید. در این پیام، ضمن اعلام حمایت جوانان فدایی خلق ایران (اکثريت) از مبارزه اس.ها.ب. و سایر نیروهای صلح دوست و ترقیخواه آلمان فدرال، به ویژه علیه استقرار موشکهای هسته‌ای میان آمریکا و آمریکا در این کشور، اوضاع جاری میهن ما و مبارزه جوانان و دانشجویان انقلابی ایران علیه ارتجاع حاکم تشریح گردید.

کنگره اس.ها.ب. با تصویب قطعنامه همبستگی خود را با مبارزات مردم ایران اعلام نمود. قطعنامه اول، در حمایت از جوانان و دانشجویان انقلابی ایران، که به خاطر فعالیت های سیاسی و یا تنها بخاطر " هواداری " از سازمان های انقلابی اپوزیسیون زندانشگاهها ابراز دستگیر، شکنجه و اعدام گردید ماند " صادر شد. در این قطعنامه ضمن اشاره به نظام قرون وسطایی تفتیش عقاید در دانشگاههای ایران و در آزمونهای پذیرش، به شدت علیه اعدام و پیگرد دانشجویان مترقی ایرانی، اعتراض شده است. قطعنامه می افزاید: " دولت فدرال آلمان باید بسه دانشجویان ایرانی که علت سرکوب و پیگردی که جانشان را تهدید می کرد، میهن خود را ترک گفته و در حال حاضر به عنوان متقاضیان پناهندهگی سیاسی، تحت شرایط ضد انسانی، توأم با توهین روزمره بسر می برند، هرچه سریعتر حقوق پناهندهگی داده و امکانات ادامه تحصیل در اختیار آنان بگذارد. " در قطعنامه دوم، شرکت کنندگان کنگره با اشاره به تضییقات بر روشنان علیه هنرمندان و نویسندگان در جمهوری اسلامی، کنا بسوزان و کشتار و شکنجه نویسندگان و هنرمندان ترقیخواه را محکوم کردند.

تنگین جمهوری اسلامی است. خلخالسی ممکن است دیوانه باشد. ممکن است موجود سفیدی باشد که تنها از بیختن خون لذت می برد. او هرچه باشد برانزده دستگاه حاکمان فعلی است. هر طبقه ای و هر قشری، چهره های متناسب با شان اجتماعی خود در دارد. جنایات این شیخ را باید از طریق نظامی کنار کرد آن به چنین ابرازی نیازمند است، توضیح داد. او از چهره های شاخص مشتی ناقص الخلقه بی آینه است. این پوسیدگان در اوج قدرت نیستند. نمی توانند چشم انداز روشنی در برابر داشته باشند. آنها محکوم به زوال و فروپاشی هستند. روز و شب آنهاست. با هر تلاش مذبو حانه ای آنها تنها مرگ محتوشان را به جلوی اندازند. لقمه های شبهه " (تعبیر حافظ) تنها در کوتاه مسدود می تواند قوت مردگان باشد و پداتان حیات بخشد. زندگی را باید به زندگان و انهدا! چنین است قانون زندگی.

درود بر قهرمانان شهید توده ای

" نامه مردم " رگان مرکزی حزب توده ایران در شماره ۱۹ مهر خود خبر از اعدام و بشهادت رساندن جنایتکارانه دو رفیق توده ای توسط رژیمان جمهوری اسلامی دارد: رفیق عظیم محقق که به جوش اعدام سپرده شد و رفیق مرتضی بابا خانی که زیر شکنجه جلادان ج.ا.م. بشهادت رسید.

هر روز که می گذرد رژیم خونریز جمهوری اسلامی، بیش از پیش بقای خود را در کشتار فرزندان راستین خلق و عاشقان رهایی بشریت می بیند. هر زمان خبرهای جدیدی از اعدام و کشتار کمونیستها و سایر مبارزین در بند می رسد. خیانت به خلق، کشتار رزمندگان آرمان خلق را می طلبد و آستانبوسی درگاه سرمایه سرایان قربانی کردن گروه، گروه پیشاتزان لشکر انبوه کار جغد شرم ویرانه قرون و اعصار، باید که مسرغ عشق را بکشد. و کرکس منقار فرو کرده در مردار اندیشه های متعفن، باید که تاب تحمل پرواز بلند کبوتر سبکبال رهایی بر امواج طلاسی خورشید را نداشته باشد. اما چه باک! این پرواز تا به اوج را، گریزی نیست.

رفیق عظیم محقق در سال ۱۳۳۳ در روستای شمرین اردبیل متولد شد، تحصیلات متوسطه را در شهرستان اردبیل پایان رساند و سپس وارد دانشگاه تبریز شد. در سال ۱۳۵۷ به سازمان نهد پیوست.

" خصایل والای انسانی و انقلابی بسی مانند شازوی یک پیکارگر توانا، پرشور، پیگیر و کامیاب ساخت. " جلادان سیاه دل، رفیق عظیم محقق را تنها به جرم پیکار در راه رهایی زحمتکشان، پیشرفت اجتماعی و استقلال میهن در سپیده دم ۴ شهریور به جوخه اعدام سپردند. رفیق مرتضی باباخانی در اردیبهشت ۱۳۶۲ بهنگام یورش دوم به حزب توده ایران، دستگیر شد و تحت شدیدترین شکنجه های ضد بشری قرار گرفت. ماه ها این شکنجه های طاقت فرسا ادامه داشت. اما وی سرفراز و پیروز ماند بر سر آرمانهای والای خود ایستا و قهرمانانه در راه آن جان باخت. وی در زیر شکنجه جلادان جمهوری اسلامی بشهادت رسید.

رفیق مرتضی باباخانی زندانی سیاسی سرشناسی که ۸ سال را در سیاهچالهای رژیم شاه سپری کرده بود با سینه سرشار از عشق به نیکو زی زحمتکشان و محرومان تا آخرین دم حیات مردانه بر سر آرمانهای والای خویش پای فشرد. آری:

آدمی با سرافراشته باید بزید
و سرافراشته باید میرد
و به دشمن سر تسلیم نیارد در پیش
و انهد در ره آزادی خلق
همه هستی خویش

نخستین گامها در راه اتحاد نیروهای چپ

مباحثه مجله مسائل صلح و سوسیالیسم با حکمت ازکوت، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه

س: در حیات سیاسی ترکیه، گرایش به سوی هماهنگ شدن اقدامات نیروهای چپ و میهن پرست دیده می شود. این نزدیکی در کدام مسایل بین المللی و داخلی بیش از همه انجام می گیرد؟

ج: در حال حاضر تلاشهای مشترک نیروهای چپ در ترکیه، بیش از گذشته واقعیت می یابد. ضرورت این امر به ویژه از زمان کودتای نظامی ۱۹۸۰، که يك نسل پیشگیرانه ضد انقلابی بود، بدین سو، تا حدود زیادی پذیرفته شده است.

"مخالف چپ، که در میان طبقه کارگر، اقشار غیرولتاری و جنبش ملی کرد فعالیت می کند، معتقدند باید به وابستگی کشور به امپریالیسم، به سرمایه داری، خاتمه داده و راه سوسیالیسم، ریش گرفته شود. سه نیروی اجتماعی نامبرده، از سوی احزاب و گروههای بزرگ و کوچکی نمایندگی می شوند که تحت تاثیر عقاید متفاوتی قرار دارند؛ از قاید مارکسیستی لنینیستی و انقلابی دمکراتیک گرفته تا نظرات روزیونیستی و سوسیال رفرمیستی.

امروز احزاب بزرگ و روهایی که همواره مارکسیسم - لنینیسم را راهنمای عمل خود قرار داده و آرزیایی درستی از نقش نظام جهانی سوسیالیستی دارند، نسبت به امر اتحاد یا اقیال بیشتر بر خورد نموده و برای تحقق آن آمادگی بیش از گذشته نشان می دهند. وجه مشخصه این نیروها، موضعی در مجموع مثبت در قبال جنبش بین المللی کمونیستی، اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی است. آنها ضرورت تحولات انقلابی اجتماعی - اقتصادی را دریافته اند، با توان هرچه بیشتر علیه امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی آن، دیکتاتوری فاشیستی، مبارزه می کنند، و پیکار در راه صلح، استقلال ملی و دمکراسی را تقویت می نمایند. دقیقاً همین نیروها در صف مقدم آنهايي قرار دارند که خواهان خاتمه دادن به سرکوب شورونیستی ملت کرد هستند.

س: اقدامات مشترک حزب کمونیست ترکیه و سایر نیروهای چپ بر چه زمینه ای و در چه اشکالی انجام می گیرند؟

ج: حزب کمونیست، به ایجاد يك اتحاد پایدار نیروهای چپ، به مثابه يك وظیفه برنامه ای، که هم اکنون اهمیت ویژه ای یافته است، می نگرد. اگر نیروهای چپ موفق شوند بر مبنای يك کار پایه ضد فاشیستی به توافق برسند، این امر باعث تسریع وحدت صفوف همه آنهايي خواهد شد که رژیم را نمی پذیرند، از جمله در میان اپوزیسیون بورژوازی. اتحاد نیروهای چپ، امری اجتناب ناپذیر و برای غلبه

بر نفوذ رفرمیسم بورژوازی که مانع مبارزه توده ها در راه تحولات عمیق اجتماعی است، از اهمیت استراتژیک برخوردار است.

حزب ما برای دستیابی به اتحاد بر مبنای حقوق برابر، در قبال نیروهای چپ و میهن پرست، و نیز اپوزیسیون بورژوازی، موضع گیری سازنده ای دارد. ما به جای اختلاف نظرها، آنچه که ما را به هم پیوند می دهد برجسته می کنیم و سعی داریم مشترکات آن مسایلی را حل نماییم که در باره آنها، سهل تر می توانیم به تفاهم برسیم. این، به نظر ما زمینه تحقق تدریجی اتحاد بزرگ و گسترده همه نیروهای چپ است که دستیابی به آن و تحکیم آن، بر پایه اهداف دراز مدت ضروری و امکان پذیر می باشد. ما بر آنیم که اکنون باید تلاشها حول مبارزه در راه صلح و سرنگونی دیکتاتوری فاشیستی و تدوین يك کار پایه مشترک اپوزیسیون متمرکز شود. این امر به بسیج توده ها حول يك آلترناتیو ملی - دمکراتیک در برابر رژیم کنونی کمک خواهد کرد.

حزب کمونیست در همه سطوح برای

تحقق این هدف مبارزه می کند. رهبری حزب با کادرهای مسئول سایر نیروهای چپ به منظور توافق برای برداشتن گام های مشترک تماس گرفته و در عین حال تلاش دارد هر سازمان حزبی در حوزه عمل خود ابتکار نشان داده و اقدام به همکاری با متحدین بالقوه ما نماید.

اتحاد اگر ریشه در پایین - به ویژه در کارخانجات، روستاها، مراکز آموزشی و محلات مسکونی زحمتکشان - نداشته باشد، نمی تواند از خصلت دراز مدت برخوردار گردد. در عین حال، ما برای مبارزه ایدئولوژیک با شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی اهمیت فراوان قائلیم. میان حزب کمونیست ترکیه و حزب کارگر ترکیه مناسبات بسیار نزدیکی وجود دارد.

اقدامات مشترک نیروهای چپ و دمکرات در داخل و خارج کشور به اشکال گوناگون انجام می پذیرد. در برخی کشورهای اروپای غربی، گرد همایی های اعتراضی علیه دیکتاتوری فاشیستی در ترکیه و نیز ملاقاتهایی میان نمایندگان احزاب و گروههای چپ برای بحث پیرامون مسائل وحدت انجام گرفته. در داخل ترکیه، نفوذ هر يك از این نیروها در مناطق مختلف، متفاوت است. فعالیت آنها، به دلیل تضییقات خشونت آمیز و تعقیب دائمی از سوی پلیس سیاسی، با موانعی روبروست. اما با این حال در بسیاری از شهرها اقدامات مشترک انجام گرفته است.

در ارتباط با انتخابات شهرداری ها در ۲۵ مارس ۱۹۸۴، برای نخستین بار پنج حزب بطور مشترک فراخوانی خطاب به مردم منتشر

کردند. حزب سوسیالیست کردستان ترکیه - حزب پیشرو کارگران کردستان، حزب کارگر ترکیه - حزب کمونیست کارگری ترکیه و حزب کمونیست ترکیه. هنگام انتخابات، هواداران این احزاب در برخی مناطق کشور دست به همکاری زدند. در روز اول ماه مه، این احزاب به اتفاق سازمانها جوانان اقدام به پخش اعلامیه در دانشگاه ها و انجام آکسیونهای دیگری نمودند.

بعدها حزب سوسیالیست کارگری ترکیه به این پنج حزب پیوست، و بدین ترتیب شمار احزابی که مشترکاً خواهان يك عفو عمومی سیاسی هستند، به شش عدد رسید. نیروهای این احزاب در اروپای غربی، ۱۳۰ هزار امضا برای پشتیبانی از این خواست جمع آوری کرده و سهم خود را در خنثی ساختن این تصویر که گویا در ترکیه "گذار به دمکراسی" در جریان است، ایفا نمودند.

اینک تحکیم اتحاد شش حزب، در دستور روز است. در بسیاری موارد، در زندانها نیز آکسیونهای مشترک انجام می گیرد. به عنوان مثال در سال ۱۹۸۴ تقریباً در همه جا زندانیان سیاسی شجاعانه علیه سرکوبگری جنایتکارانه رژیم اقدام کردند.

س: موضع نیروهای چپ پیرامون جلوگیری از جنگ هسته ای و قطع مسابقه تسلیحاتی کدام است؟

ج: خلق ترکیه در شمار خلقهایی است که از سیاست "جنگ صلیبی"، رواجی که دامن زند به تشنجات، که امپریالیسم آمریکا برای دستیابی به حاکمیت جهانی دنبال می کند رنج می برد. واشنگتن می کوشد از هر طریق که شده، و وابستگی کشور ما را بعنوان ضعیف ترین حلقه ناتو، تعمیق بخشد. پنتاگون به میهن ما به مثابه پایگاهی برای يك تجاوز علیه کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای رهایی بخش ملی در خارج نزدیک می نگرد. ترکیه ممکن است به مجرد شروع جنگ هسته ای نابود شود. استقلال و حاکمیت ملی این کشور، تنها روی کاغذ وجود دارد. ژنرالها، که قدرت را غصب کرده اند به درخواست ناتو مخارج نظامی را به میزان زیادی بالا برده، همزمان با آن، بی وقفه درآمد واقعی کارگران و دهقانان را کاهش می دهند و سیاست خود، به بیکاری دامن می زنند.

نیروهای چپ در برابر وظایف ذیل قرار دارند: ایجاد يك جبهه گسترده مبارزه در راه صلح، جلوگیری از استقرار پرشینگ ۲، موشکهای بالدار و نیز سلاحهای شیمیایی در خاک ترکیه، انحلال پایگاههای نظامی آمریکایی، جلوگیری از تبدیل کشور به ژاندارم آمریکا در خارج نزدیک و تضمین همزیستی مسالمت آمیز ترکیه با کشورهای سوسیالیست همسایه. در آوریل امسال، هنگام تشکیل جلسه گروه برنامه ریزی هسته ای ناتو

چه گوارا: آرزوهای مرا مرزی نیست



شوروی سوسیالیستی، میهن سوسیالیسم در جهان است، خسته نخواهیم شد. ۶ سال بعد مزدوران سیا در جنگهای بولپوی، این انقلابی بزرگ و قهرمان جنبش‌های جهانی بخش‌های آمریکا را بطور سرزنناچوانمراد انهای به قتل رساندند. اما مرگ چه گوارا، بر خلاف تصور نوکران دلار، پایان حماسه او نبود. نام چه گوارا، به پرچم پیکار انقلابی خلقهای آمریکای لاتین بدل شد. فاست آرزوهای او، که خود برای آن مرزی نمی‌شناخت همان آرزوهای دهقان فقیر السالوادوری که با سلاح خود امپریالیسم آمریکا را نشانه رفته، مبارز ساندنیستی که با جنگ و دندان از استقلال و آزادی کشورش دفاع می‌کند، و کارگر کوبایی که با دست توانای خود سوسیالیسم را می‌سازد، می‌باشد. پیروزی این آرمانها و آرزوها قطعی است.

۱۶ سال از مرگ ارستو چه گوارا، انقلابی بزرگ و قهرمان مبارزات خلقهای آمریکای لاتین علیه امپریالیسم و ارتجاع گذشت. چه گوارا، که از سالهای جوانی از نزدیک با رنج‌های فراوان مردم کشورهای قاره آمریکای لاتین، با فقر، گرسنگی، بیسوادی و بیماری‌های مختلفی که گریبانگیر آنها بود، آشنا گردید، پس از فعالیتها پیاپی در پرو، کلمبیا، کستاریکا و گواتمالا، در سال ۱۹۵۶ در کوبا به فیدل کاسترو و همزمان او پیوست. وی یکی از یاران نزدیک کاسترو در شورای رهبری بود و در جنگ علیه رژیم باتیستا، یکی از فرماندهان کارگران، شجاع و محبوب ارتش چریکی به شمار می‌رفت. پس از پیروزی انقلاب در کوبا، چه گوارا نخست‌عهد دار ریاست‌بانک ملی این کشور شد و پس از آن، وزیر صنایع آن کشور گردید. وی به ویژه در این مقام، خدمات بزرگی به امر ساختمان اقتصاد سوسیالیستی در کوبا انجام داد.

ارستو چه گوارا در سال ۱۹۶۰ در راس یک هیات اقتصادی از اتحاد جماهیر شوروی دیدن نمود و وفاداری خلل ناپذیر خود را نسبت به سرزمین لاتین با این کلمات بیان کرد: "ما حتی از هزار بار گفتن این مطلب، که از لحظاتی که به خاک شوروی پا گذاشتیم، با تمام وجود خود احساس کردیم که اتحاد جماهیر

در شهر Cesme ترکیه، سازمانهای محلی حزب کمونیست و حزب کارگر مخفیانه اعلامیه مشترکی پخش کردند که در آن سیاست و نقشه‌های ناتو شدیداً محکوم شده بود.

س: چه چشم اندازهایی برای تقویت اقدامات مشترک نیروهای چپ وجود دارد؟
ج: هم‌اکنون این چشم اندازها مثبت است. برای تحقق آن، حزب ما سیاستی اصولی و انعطاف پذیر دارد. در پلنوم دوم کمیته مرکزی در سال ۱۹۸۴ بار دیگر اهمیت تعیین کننده وحدت صفوف نیروهای چپ برای اتحاد همه مخالفان نظامی گری و دیکتاتوری مورد تأکید قرار گرفت و آمادگی کمونیستها برای تقویت بازهم بیشتر اقدامات مشترک شش حزب در آینده، اعلام گردید. به نظر ما، این اتحاد باید مبنایی استوار در شکل یک برنامه مشترک بیاید. باید حمایت اقشار وسیعتری را جلب نمود و یک دیالوگ (گفتگو) در سطح ملی و دیمکراتیک با اپوزیسیون بورژوازی در باره راهها و طرق حفظ صلح، دستیابی به دیمکراسی و انجام اقدامات هماهنگ آغاز کرد.

نیروهای چپ از امکانات خوبی برای همکاری در سطح محلی برخوردارند. رفیق حیدر کوتلو، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه، سازمانهای حزبی را فراخوانده است. خلاقانه راه وحدت را در پیش گیرند و در محل کار، سکونت و تحصیل برای تحقق آن بکوشند. در کنار کمونیستها و هواداران سایر جریانات چپ، کارگرانی که طرفدار حزب بورژوازی - رفرمیستی جمهوریخواه خلق هستند نیز در مبارزات - کارخانجات شرکت می‌کنند. این زحماتشان، بیش از رهبری حزب خود دارای نظرات متمایل به چپ می‌باشند. میان آنها و کارگران کمونیست روابط صمیمانه طولانی وجود دارد. برای دفع یورش سرمایه بزرگ، احیای حقوق سندیکا و تحقق وحدت جنبش سندیکایی، تحکیم اینگونه روابط از اهمیت تعیین کننده برخوردار است.

یک فاکت مثبت دیگر: در ماه مه امسال، ۱۲۶۵ تن از نمایندگان روشنفکران بورژوازی - لیبرال و رفرمیست ترقیخواه، بیانیه مشترکی در دفاع از حقوق آزادی‌های دیمکراتیک منتشر ساختند این ابتکار، گام مهمی در راه ایجاد وحدت رزمجویانه نیروهای چپ و بورژوازی اپوزیسیون است و از این رو، از سوی حزب ما مورد حمایت همسه جانبه قرار گرفت.

ترکیه در گیر یک بحران حاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. تحت چنین شرایطی کمونیستها هر آنچه در توان دارند انجام می‌دهند تا همکاری شش حزب و گفتگوی ملی - دیمکراتیک میان همه مخالفان جنگ و دیکتاتوری را تعقیب بخشند و توده‌ها را بسیج سازماندهی کنند.

احزاب و سازمان‌های ترقیخواه در یونا (هندوستان) جنگ افروزی و سرکوبگری ج.ا. را محکوم کردند

- ۱- حزب کمونیست هند - پونا
- ۲- حزب کمونیست هند (مارکسیست) - پونا
- ۳- اتحادیه جوانان دیمکراتیک بحرینی - پونا
- ۴- جبهه دیمکراتیک برای آزادی فلسطین - پونا
- ۵- جبهه خلق برای آزادی فلسطین - پونا
- ۶- جبهه دیمکراتیک دانشجویان سودانی - هند
- ۷- فدراسیون دانشجویان هند - پونا
- ۸- سازمان جوانان دیمکراتیک افغانستان - پونا
- ۹- فدائیان خلق ایران (اکثرت) - پونا
- ۱۰- سازمان جوانان و دانشجویان دیمکراتیک ایران - پونا
- ۱۱- کنگره اتحادیه‌های سراسری کارگران هند - پونا
- ۱۲- مرکز اتحادیه‌های هند - پونا
- ۱۳- فدراسیون سراسری دانشجویان هند - پونا

در تاریخ ۲۵ سپتامبر، در نشست که به مناسبت دوین سالگرد جنایت امپریالیسم و صهیونیسم در صبرا و شتیلا در شهر یونای هندوستان، برگزار گردید، احزاب و سازمانهای شرکت کننده در نشست، طی دو قطعنامه، تدوین جنگ خونین ایران و عراق توسط رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و کشتار و شکنجه مبارزان میهن پرست در میهن ما را محکوم کردند. در قطعنامه درباره جنگ، ضمن برشمردن فجایع بزرگی که جنگ ایران و عراق به خلقهای دو کشور تحمیل کرده، آمده است: "ما از سازمان ملل و دیگر مراجع بین‌المللی و از تمامی شخصیتها و نیروها و دولتها و صلح دوست جهان دعوت می‌کنیم از مبارزات صلح طلبانه مردم ایران، هرچه وسیعتر حمایت کنند."

قطعنامه در باره زندانیان سیاسی در ایران، با اشاره به جنایات رژیم در زندانها خواهان قطع اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی، آزادی بدون قید و شرط اسیران و حضور ناظران بین‌المللی در محاکمات شده است. دو قطعنامه نامبرده به امضا احزاب و سازمانهای زیر رسیده است:

توضیح

متاسفانه چاپ دنباله مقاله "کارنامه جمهوری اسلامی در مراکز آموزشی سیا و ننگین است" به دلیل تراکم مطلب در این شماره میسر نشد. قسمت پنجم این مقاله را در شماره بعد می‌خوانید.

در حاشیه

وقتی ج.ا. نمایشگاه بین المللی
برپا می کند

د همین نمایشگاه بین المللی تهران يك فضاحت آشکار بود. بخش اعظم نمایشگاه به کالاهای مصرفی غرب اختصاص یافت تا "تجار محترم" به لطف سران رژیم بتوانند از نزدیک آنها را بازدید کرده و فی المجلس برای وارد ساختن آنها به کشور، قرار داد امضا کنند. این نمایشگاه، بیش از این که يك نمایشگاه صنعتی باشد نشان دهنده رشد مناسبات جمهوری اسلامی با غرب، و کیفیت مرادوات آن با دنیای سرمایه داری بود. فضاحت این نمایشگاه حتی قلم بدستهای روزنامه های رژیم را به انتقاد واداشته است. در زیر عینا بخشهایی از توصیف خبرنگاران "آزادگان" از د همین نمایشگاه بین المللی تهران، نقل می کنیم:

"... د همین نمایشگاه بین المللی بازگانی تهران که چهارمین نمایشگاه از این نوع در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران محسوب می شود، دنباله سیری نمایشگاههای بازگانی و برای بازار باسی و گسترش مبادلات تجاری و به زبان دیگر آب کردن مصنوعات ممالک زوگو و قلدری است که برای اولین بار اربابان شاه محلون به وی دیکته نموده و در سال ۱۳۵۲ اولیین نمایشگاه از این نوع در ایران برپا گردید ..."

بعضی از کشورهای شرکت کننده در این نمایشگاه ... کالاهای مصرفی صرف، و اصولا غیر ضروری را در نمایشگاه و در غرفه های خود به نمایش گذاشته بودند ... بعضی اوقات غرفه کشورهای از قبیل ژاپن و چند غرفه دیگر چنان از انبوه جمعیت پر بود که امکان نفس کشیدن را از آدمی سلب می نمود چرا که کالاهای مصرفی لوکس که در ایران کمیاب هستند به نمایش گذاشته بود و تبلیغات همراه آنان هر کسی را جلب می کرد ... بزرگترین غرفه ها از آن کشورهایی چون ژاپن، آلمان غربی، اتریش، انگلیس و سوئد بود ... با بررسی کشور های مختلف در نمایشگاه به این نتیجه می رسیدیم که کشورهای غربی اغلب کالاهای مصرفی به نمایشگاه تهران آورده بودند و اصولا تکنولوژی و کالاهایی عرضه می کردند که برای میهن ما با توجه به نیازهای اساسی آن ضروری نمی نمود ... مسئولین نمایشگاه، بهترین نقاط نمایشگاه را به غرفه کشورهای خارجی اختصاص داده بودند ...

... (آنها) آنقدر بی برنامه و سراسر درگم عمل کرده بودند که حتی برگ را هنمایی که برای راهنمایی افراد به چاپ رسانده بودند، بیشتر افراد را سردرگم می کرد ... کاتالوگ د همین نمایشگاه بین المللی تهران پس از غلطهای فاحش حتی در ترجمه آن بمسود و اغلب متن فارسی آن با انگلیسی تطبیق نمی کرد ... در پاره ای از موارد هجوم جمعیت به نمایشگاه به حدی بود که افراد فرصت طلب و دور از اخلاق و مناسبات اسلامی سوء استفاده کردند (مهمترین دغدغه خاطر مسئولین) ... در این رابطه از سومین روز برپایی ۱۱ روزه - نمایشگاه، گشت امر به معروف و نهی از منکر مجبور به مداخله و ناچارا گشت در محوطه نمایشگاه را برپا کردند (مهمترین موفقیت نمایشگاه بین المللی تهران!)

به جاست در آستانه تشکیل یازدهمین نمایشگاه بین المللی بازگانی تهران مسئولین ذربط آموزشهای لازم را به بازدیدکنندگان از نمایشگاه، از طریق رسانه های گروهی خصوصا رادیو و تلویزیون ارائه نمایند تا محدود افراد فرصت طلب این گونه در انظار خارجی با حیثیت اسلام و امت شهید پرور بازی نکنند ... باید به مسئولین کنترل درهای نمایشگاه گفته شود که وقتی کیفها و چمدانهای خارجی را و افراد غرفه های داخلی را بازرسی می کنند طلب جاسوسی و یا نمونه کالا ننمایند ... به مسئولین عزیز امنیتی و پلیس نیز گوشزد شود که اگر يك ارگان پلیس، سپاه یا کمیته امنیت محوطه نمایشگاه را به عهده گیرد سردرگمی و اتلافی پیش نخواهد آمد و لازم نیست چند ارگان مختلف دخالت کنند ... بالاخره به جاست تا سازمان دهندگان نمایشگاه و قلمرویی تعدادی از مسئولین غرفه های داخلی را دستچین کرده و در مراسم آخرین روز افتتاح نمایشگاه دعوت می نمایند گوشزد نمایند که وقتی به آنها گفته می شود از خود پذیرایی کنید، در حضور مدیران غرفه های کشورهای خارجی به طرز زننده ای به میز شیرینی و میوه حمله نکنند تا خارجیان با طرز زننده ای و شاید هم از روی وحشت جایگاه را ترک کنند ... بلکه بجاست تا اول خارجیان که در کشور ما مهمان به حساب می آیند پذیرایی شوند و سپس نوبت به دیگران برسد تا خارجیها فکر نکنند در مملکت ما میوه و شیرینی قحطی است ..."

(آزادگان - ۱۰ مهر)

منتهای وقاحت در خونریزی

محمد موسوی بجنوردی عضو شورای عالی قضایی و رئیس دادگاه عالی قم در طی يك صاحبیه مطبوعاتی کوشیده است بر موج کشتار و اعدام نیروهای انقلابی در زندانها پرده افکند ... مہملاتی که او بهم می بافد افشاگر جلادیهای رژیم است ... او چینیست می گوید: "اخیرا دشمنان انقلاب اسلامی لیست های دروغین تهیه کرده و در مجامع

بین المللی اعلام کرده اند که جمهوری اسلامی افراد زیادی را اعدام می کند حال آن که این د روز محض است زیرا آمار اعدام نسبت به گذشته بسیار پائین آمده (گذشته چه بود که حالا پائین آمده است!) و در صورت ضرورت نسبت به گروهکهای ضد انقلاب ... حکم اعدام اجرا می شود (حالا باور کردید که آن لیستها دروغ است؟!) ... بر همین اساس از اول آمار اعدامها بالا نبوده (با معیارهای جمهوری اسلامی يك میلیون نفر هم اگر اعدام می شدند، رقم بالایی نبود) و در دو ماهه اخیر بسیار کم شده (به زودی آمار دقیق افشا خواهد شد) ... و این بدان معنی نیست که آنها (نیروهای انقلابی) گستاختر شوند (به زودی باید خبر موج جدیدی از اعدامها را شنید) ... ما طبق ضوابط و معیارهای شرعی افراد محارب را اعدام می کنیم ..."

(کیهان - ۱۲ مهر)

بهداشت و درمان در ج.ا.

کیهان ۱۲ مهر:

"الشرلستان با داشتن جمعیتی قریب به ۹۰ هزار نفر هنوز از داشتن يك بیمارستان محروم است ... بیماران روستاها سالی همجوار این بخش با وضعیت اسفناک به وسیله اسب و الاغ بعد از طی ۴۰ کیلومتر جاد صعب العبر به شهر می آیند و اغلب بیماران به علت طولانی بودن مسافت، قبل از رسیدن به شهر جان خود را از دست می و بعضی دیگر که سالم به شهر می رسند فقط برای لحظاتی در داروهای مخرب مخدر، تسکین می یابند ..."

"ولایت فقیه"

در جمهوری اسلامی پاکستان

روزنامه داون DAWN چاپ پاکستان

۸ اکتبر:

"امروز (۸ اکتبر) ژنرال ضیا الحق گفت:

گامهایی در راه انجام انتخابات تحت نظارت نیروهای مسلح و قوه قضائیه برداشته شده است ... انتخابات آینده منطبق با اصول اسلام انجام خواهد شد ...

بزرگترین نکته راروشن ساختن که در اسلام مساله ای به نام احزاب مخالف وجود ندارد زیرا در صورت وجود احزاب مخالف آنها با امیر (همان "ولی فقیه خود ما") که بنا بر پرهیزکاری، ترس از خدا و قابلیت انجام امور انتخاب می شود، رودر رو قرار خواهند گرفت ...

رئیس جمهور در ادامه توضیحاتش گفت: امیر در انجام قوانین و مصوبات توسط مجمع مشاورین (همان "شورای نگهبان" خود ما) حمایت خواهد شد و مردمنیز موظف هستند که تا وقتی وی به اصول اسلام و سنت پایبند باشد از وی اطاعت کنند و بنا بر این دیگر جایی برای مخالفت آنچنان که در سیستم غربی اعمال می شود، وجود ندارد ..."

تعدد زوجات و ترویج آن:

مظهر بربریت و سیاه فکری جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول

و انتظار فاجعه های بی شماری را داشت . جمهوری اسلامی ، بعد از چند ماهی که از استقرار آن گذشت ، به نکاح موقت و تعدد زوجات صورت قانونی بخشید و اما و اگرهای محدود قوانین پیشین را به کناری نهاد . سن ازدواج قانوناً تنزل پیدا کرد و در مورد دختران " بلوغ شرعی " ! به عنوان معیار برگزیده شد . آنها تبلیغ در مورد ضرورت ازدواج دختران را در سنین پائین به آن چنان شکل و قیچانه ای انجام می دهند که زینبده نیست عسارات بی شرمانه آنها را سکه نمونه ای از آنرا می توان در اطلاعات ۹ مهر ماه مشاهده کرد - تکرار نمود . آنها این تبلیغات خود را به عرصه مدارس دخترانه نیز کشانده اند . در مدارس دخترانه علناً تبلیغ می شود که برای جلوگیری از لغزش ، ازدواج در ۹ سالگی و نیز صیغه شدن و به عنوان همسر دوم ، سوم یا چهارم در آمدن در شریعت آنها توصیه شده و اجر و مواهب بی شماری به همراه دارد .

مدتی است در نشریات و رادیو تلویزیون جمهوری اسلامی بیشترین تأکید بر روی تعدد زوجات صورت می گیرد . تمام تلاش آنها بر این قرار گرفته است که بتوانند چنین افکار ارتجاعی و فاسدی را بر زنان و دختران جامعه ما تحمیل کنند . جمهوری اسلامی در زمینه اعمال محدود و ارتجاعی بر زنان میهن ما و پایمال کردن همه حقوق اجتماعی آنها مرحله به مرحله پیش رفت . در چند مرحله حجاب اجباری را تحمیل نمود و برای شرکت زنان در امور اجتماعی و داشتن کار و شغل ، سد های متعددی بر پا کرد و حال می کوشد در حوزه خانواده نیز زن را به بردگی مطیع و منقاد بدل سازد . بیهوده نیست که اکنون بر روی تعدد زوجات " تا این حد تبلیغ صورت می گیرد . ابتدا تلاش ورزیدند تعدد زوجات را یک امر عادی و مورد پسند خود زنان جلوه دهند . در این مورد آخوندی به نام مهدوی که رئیس دادگاه های مدنی خاص است ، می گوید : " خیلی از زنان داشتن هسوو را بخشی از زندگی عادی زنانشی می دانند " (اطلاعات - اول تیر ۶۲)

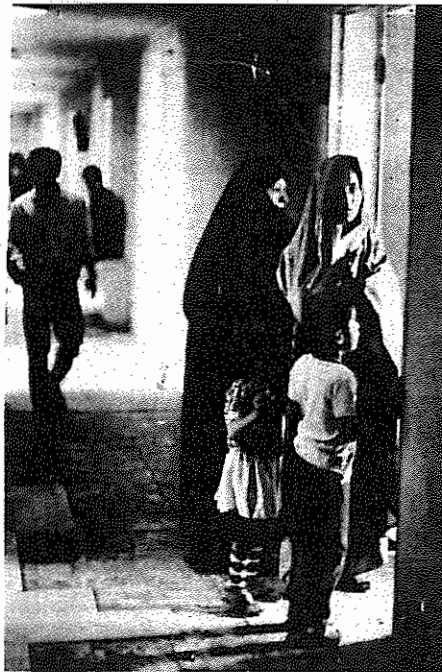
باز در همین رابطه است که دم به دم استدلال شد و می شود که تعدد زوجات برای " سالم نگه داشتن محیط " ضرورت دارد و جلوسوی مفاسد اجتماعی را می گیرد . " زن روز " تیر ماه ۶۳ می نویسد : " آنچه باعث شده تعسید زوجات در جو مغربی به گونه ممالک شرقی ، رواج نیابد ، تنها روابط آزاد و بی بند و ببار - بیهاست و بس " ! لابد به زعم نویسند ه مرتجع این مجله ، اگر این بی بند و باری های غربی نبود ، جمهوری اسلامی همپای صدر " انقلاب

اسلامی " می توانست تعدد زوجات و صیغه موقت را نیز به کشورهای غربی ، صادر کند ! یکی از مظاهر و قیچانه جمهوری اسلامی در همه زمینه ها و از جمله پایمال ساختن حقوق زنان این است که در حالی که حتی را پایمال می سازند گلوئی خود را در حمایت از حقوق آن بخش از جامعه که لگد کوب اندیشه ها و سیاستهای ارتجاعی آنان می شود ، می درند . رهبران این رژیم خود را مدافع حقوق زنان می دانند و معتقدند که جایگاه عادلانه و شایسته ای را به آنان اعطا می کنند . مثلاً موسوی بجنوردی در مورد مساله تعدد زوجات " می گوید : " ما نسبی خواهیم بگوئیم تعدد زوجات جایز نیست . البته که جایز هست چون حکم قرآن است . اما ایمن

مهدوی رئیس دادگاه های مدنی خاص :

● " فقهای شورای نگهبان نظر داده اند اگر یک مرد بدون اجازه زناش ازدواج مجدد کرد ، قابل تعقیب نیست زیرا در شرع مقدس اسلام چنین حکمی داده نمی شود . حتی اگر سردفتری چنین ازدواجی را به ثبت رساند و صیغه ازدواج غیر رسمی جاری کرد ، از نظر شرعی مانعی ندارد و دادگاه نمی تواند عاقد را تحت تعقیب قرار دهد . " خلاصه این که " اگر مردی بدون رضایت زن اولش زنی گرفته است ، ایرادی ندارد ، فقط باید جریمه آن را بپردازد . البته فقهای شورای نگهبان فرموده اند که جریمه را هم نپردازد . "

● " اگر مردی بدون رضایت زن اولش زنی گرفته است ، ایرادی ندارد ، فقط باید جریمه آن را بپردازد . البته فقهای شورای نگهبان فرموده اند که جریمه را هم نپردازد . "



هر روز تعداد بسیاری از زنان و کودکان در راهروهای دادگستری سرگردانند . قوانین جمهوری اسلامی تنها می تواند آنها را به سرنوشتی تیره و تار حواله دهد .

مساله باید از روی نظم و ضابطه خاصی صورت گیرد . " (زن روز - ۱۶ تیر ماه)

در ابتدا گفته می شد که عقد زنده موط به اجازه همسر اول است . این باصطلاح " امتیازی " که برای همسر اول در نظر گرفته شده بود ، عملاً هیچ تأثیری بر روی قضیه نمی توانست داشته باشد . یک موجود مهجور و ناقص العقل را چه به اجازه دادن ! جالب این جاست که حتی یکی از نماینده های زن مجلس رژیم نیز به این نکته اعتراف می کند . او می گوید : " برادری در قوه قضائیه با افتخار تمام می گفت ، تا به حال به شایسته چند خانمی که به عنوان شاکی از ازدواج مجدد همسرانشان مراجعه کرده اند کوچکترین توجهی نکرده ام " (گوهرالشریعه دستخوب - کیهان ۱۳ شهریور)

مسئولین رژیم " اجازه " صوری همسر اول را نیز نتوانستند تحمل کنند و آنرا عملاً لغو نمودند . مهدوی رئیس دادگاه های مدنی خاص در این مورد می گوید : " فقهای شورای نگهبان نظر دادمانند اگر یک مرد بدون اجازه زناش ازدواج مجدد کرد ، قابل تعقیب نیست . زیرا در شرع مقدس اسلام چنین حکمی داده نمی شود . دادگاه نیز حق صدور حکم و اجرای آنرا ندارد . حتی اگر سردفتری چنین ازدواجی را به ثبت رساند و صیغه ازدواج غیر رسمی جاری کرد ، از نظر شرعی مانعی ندارد و دادگاه نمی تواند عاقد را تحت تعقیب قرار دهد . " خلاصه این که " اگر مردی بدون رضایت زن اولش زنی گرفته است ، ایرادی ندارد ، فقط باید جریمه آن را بپردازد . البته فقهای شورای نگهبان فرموده اند که این جریمه را هم نپردازد . "

(کیهان - ۱۸ مهر)

سیاستی که سران جمهوری اسلامی با تشویق تعدد زوجات و نکاح موقت که همان فحشا تحت پوشش شرعی است ، خانواده های بسیاری را در معرض از هم پاشیدگی قرار می دهد . زنان و فرزندان چنین خانواده های سرنوشت تیره و تاری را در پیش رودارند . تنها نگاهی به میزان پرونده های موجود در دادگاه های مدنی خاص ، دادگستریهای کشور و صف طویل زنانی که هر روز برای ارجاع شکایات خود به چنین مراکز مراجعه می کنند ، بیانگر ایحاد ظلمی است که بر زنان میهن ما روا داشته می شود . بافتوهای جدید رهبران رژیم و رای شورای نگهبان که گوشه هایی از آنرا در بالا از زبان رئیس دادگاه های مدنی خاص آوردیم ، زنان دیگر حقوق صوری " شکایت کردن را نیز از دست خواهند داد . اما آنها تسلیم سرنوشت تیره ای که رژیم برای آنان فراهم کرده است نخواهند شد و با گسترش بخشیدن به مبارزات خود که منکی بسر تجربیات ارزشمند آنها در دوران قیام است ، دفتر این اندیشه های ارتجاعی را خواهند بست . جامعه ما به قرون وسطی بر نمی گردد . ایمن مرتجعین اند که به گورستان اندیشه های ارتجاعی قرن ها پیش عودت داده خواهند شد .

پاسخ رفیق شرودر، عضو هیأت رئیسه حزب کمونیست آلمان

به پرسشهای "اکثريت"

بقیه از صفحه اول

و در این سالروز، درود های خود را تقدیم رفقای حزب توده ایران که تحت شرایط سرکوب، شکنجه و کشتار برای صلح و آزادی مبارز می کنند، تقدیم می داریم.

عضو رهبری حزب کمونیست آلمان، ضمن ابراز همبستگی با مبارزه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)، گفت: "ما از سالها پیش با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) رابطه داریم. ما به مبارزه شجاعانه فدائیان احترام گذاشته و می دانیم که آنها، فرزندان راستین خلق ایران، در راه اهداف آزادیخواهانه انقلابی و ضد امپریالیستی رژیم ماند و می رزمند. شرایط مبارزه برای آنها نیز، امروز بسیار سخت است. ما آرزو مندیم کمونیستهای ایران، بتوانند به اتفاق سایر نیروهای انقلابی، در کشور خود پرچم آزادی را دوباره برافراشته سازند."

از رفیق شرودر خواسته شد موضع حزب کمونیست آلمان درباره سکوت رسانه های گروهی آلمان فدرال پیرامون جنایات ارتجاع حاکم در ایران، به ویژه پس از بازگشت ها...

نتیجه حرص و آزار... بقیه از صفحه اول

بیمارستان فارابی تهران سر بزند تا ببیند تنها به یک درمانگاه چه تعداد از کارگران رجوع می کنند که فقط چشمشان به دلیل حرص و ولع سرمایه داران در حین کار آسیب دیده است.

بسیاری از سوانح دامنگیر کودکان و نوجوانان می شود. بسیاری از کارفرماها برای انجام کارهای ساده و بعضاً نیمه تخصصی ترجیح می دهند نوجوانان را استخدام کنند تا به آنها مزد کمتری بپردازند. اکنون دیدن این منظره که "کودک ۱۲ ساله ای با مته برقی کار می کند، در حالی که انگشتهای او در چند میلیمتری نوک مته دوار قرار دارد" (کیهان - ۸ مهر) امری کاملاً طبیعی است. روزی نیست که دست بسیاری از این کودکان و نوجوانان زیر پرس نرود و یا مته انگشتان آنها را خرد نکند.

در مجموعه عواملی که موجب بروز سانحه می گردد برخلاف ادعای کارفرمایان، بی دقتی کارگران جای مهمی ندارد. نقش اصلی را مجموعه شرایط کار یعنی عدم رعایت ضوابط ایمنی برای کار با دستگاههای مختلف از سوی کارفرمایان، بالا بودن سرعت کار برای افزودن بر شدت استثمار، فقدان آموزش کار با دستگاههای پیچیده و به کارگیری کارگران تعلیم ندیده و نیز مناسب نبودن محیط کار ایفا می کند. بدیهی است برای کارگران نوجوان و کارگران آماتور، ندیده های که به کارهای مشکل و پیچیده گمارده می شوند، سوانح بیشتری پیش می آید.

یک بررسی ساده نشان می دهد که بیشترین حوادث کار برای کارگرانی اتفاق می افتد

همبستگی حزب کمونیست آلمان را با مبارزه کمونیستهای ایران در همه عرصه ها اعلام داشت، و در مورد جنگ ایران و عراق خاطر نشان ساخت: "جنگ میان ایران و عراق در خدمت هیچیک از خلقهای دو کشور، و در خدمت هیچیک از ملل دنیا نیست. این جنگ، بسود امپریالیستهاست و نیروهای انقلابی و صلح دوست جهان را تضعیف می کند. باید به این جنگ خاتمه داده شود. این خواسته ما نیز هست. ما از تلاشهایی که در راه پایان دادن به این جنگ به عمل می آید، حمایت می کنیم."

عضو هیأت رئیسه حزب کمونیست آلمان، پیرامون جنبش همبستگی با مردم ایران در آلمان فدرال گفت: رد خواسته های اصلی مرحله کنونی که ما در کنگره حزب خود و در گرد همایی های متعدد ابراز کرده ایم، در آینده نیز بر آن پافشاری خواهیم نمود، عبارتند از: قطع شکنجه و کشتار در ایران، بازگشت به دستاورد های انقلاب ضد امپریالیستی، آزادی کمونیستها و سایر نیروهای دگرگشت از زندانها، احیای آزادیهای سیاسی، واز جمله، آزادی دوباره فعالیت سازمان شما. تحقق این خواستها، شرط لازم برای آن است که مردم ایران بتوانند در آزادی کامل، سرنوشت خود را تعیین کنند."

کار در سراسر کشور حدود ۱۴۲ نفر است. کارگرانی که دچار نقص عضو می شوند و توان خود را برای کار کردن از دست می دهند، سرنوشت تیرهای را در پیش رو دارند. اگر بیمه باشند مبلغ ناچیزی برای آنان مستمری تعیین خواهد شد (آنهم در صورتی که در برونزانه مقصر اقدام نشوند) اگر بیمه نباشند باید بدون داشتن یک ممر درآمد، دفتر زندگی خود را بسته ببینند. برجستگی هائب کارگران از این زاویه، آن دام آشکاری می شود که توجه داشتیم، میزان سوانح در کارگاه های کوچک که اکثریت کارگران آنها بیمه نیستند، بسیار بیشتر از کارخانه های بزرگ و دولتی است.

تأمین ایمنی محیط کار، یکی از مطالبات دائمی جنبش کارگری ایران بوده است. سرمایه داران همیشه از تکلیف به این خواسته بر حق سربازد ماند، تا به قیمت خون کارگران بر سرمایه خود بیفزایند. رژیم جمهوری اسلامی با حمایت از سرمایه داران، خشم و کینه کارگران را شعله ورتر ساخته است.

اعتراض خشمگین کارگران کارخانه اتسفر، گوشه ای از شدت نفرت کارگران، نسبت به وضعیت اسفبار ایمنی محیط کار را منعکس می سازد. اینک کارگران در مبارزه برای تحقق ایمنی محیط کار، آشکارا و مستقیماً رژیم رارو در روی خود می بینند. بازگذاشتن دست سرمایه داران برای تداوم یافتن اجحافات آنان در حق زحمتکشان، بازترین مظهر جنایت رژیم به انقلاب است. خون کارگرانی که در حین سوانح و فجایع حین کار بر زمین می ریزد، لکه ننگ دیگری است که بر دامان خیانت پیشگان می نشیند.

دیتیش گنشر وزیر خارجه آلمان فدرال، ازسفر خود به تهران را تشریح کند. وی در پاسخ چنین گفت: "این يك شیوه همیشگی قدرتمندان در کشور ماست که شکنجه و کشتار در ایران، ترکیه و کشورهای مشابه را بی اهمیت جلوه دهند. اما حساب مردم ما از حکومت جداست. در کشور ما، باید برای تقویت همبستگی با مردم ایران، صداي بلند، شکنجه و کشتار در ایران را افشا و محکوم کرد." وی ضمن انتقاد از سیاست خارجی آلمان فدرال که بر مبنای نادیده گرفتن جنایاتی از این دست در ایران، ترکیه، السالوادور و... است، افزود: "خواست ما این است که سیاست خارجی آلمان فدرال، با منافع مردم ما منطبق باشد، امری که مستلزم موضعگیری علیه شکنجه و کشتار در ایران است."

از رفیق در مورد جنگ ایران و عراق و مبارز حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) برای پایان دادن به آن سؤال شد. رفیق، شرودر، ضمن اشاره به اینکه در تاریخ آلمان نیز، سرکوب و تعقیب کمونیستها پاره ها از سوی حکومتهاى ارتجاعی، به اجرا درآمده

که سن آنها از ۱۴ تا ۲۹ سال است (کیهان - ۷ مهر) در این میان نقش عوامل روانی نیز برجسته است. مشکلات اجتماعی عظیمی همچون اختناق، فقدان مسکن، گرانی و در مجموع يك فلاکت واقعی، تمرکز حواس لازم برای کار با دستگاههای خطر آفرین را برای کارگران بسه جا نمی گذارد.

عدم رعایت ضوابط ایمنی تنها به کارگاههای کوچک بر نمی گردد. در کارخانه های بزرگ نیز بی توجهی کارفرمایان و یا مدیسران دولتی و فشار برای افزایش تولید به هر قیمت، فجایع جبران ناپذیری را به بار می آورد. بسه عنوان نمونه یکبار در کارخانه اتسفر به دستور مدیر کارخانه برای سرعت بخشیدن به کار با يك پرس غول پیکر سیستم حفاظتی آن را مختل می کند. این امر موجب می شود که هردو دست يك کارگر با ضربه پرس از بین برود. به دنبال بروز این حادثه خشم کارگران آنچنان بالا می گیرد که مدیسر از کارخانه می گریزد.

ارگانهای مسئول حکومتی در برابر این همه اجحاف یا کاملاً سکوت کرده و یا آشکارا جانب سرمایه داران را می گیرند. مسئول اداره کل بازرسی کار وزارت کار می گوید: "بازرسان وزارت کار، کارگاهها را مورد بازرسی قرار می دهند. هر کارگاهی از نظر ایمنی و حفاظتی مجهز نبود، آنرا تعطیل خواهند کرد" (کیهان - ۹ مهر ماه) مضحک بودن نظارت وزارت کار در این مورد آنگاه روشن خواهد شد که به این گفته دیگر این مقام باصطلاح مسئول توجه داشته باشیم. "ما حدود ۲۰۰ هزار کارگاه... در سراسر کشور داریم. اما تعداد بازرسان و کمک بازرسان

رویدادهای
جهانچهار پیشنهاد اتحاد شوروی
برای خلع سلاح

کنستانتین چرننکو رهبر اتحاد شوروی در صاحبهای با روزنامه آمریکایی "واشنگتن پست" پیشنهادهای مشخص کشورش در مورد مسایل مربوط به خلع سلاح را مورد تاکید مجدد قرار داد و گفت اگر اظهار آمادگی ریگان رئیس جمهور آمریکا برای مذاکرات صرفاً یک زست تاکتیکی نباشد، اتحاد شوروی در نشان دادن انحطاف کوتاهی نخواهد کرد. پیشنهادهای مشخص اتحاد شوروی عبارتند از:

- ۱- انعقاد قراردادی در مورد جلوگیری از نظامی کردن کیهان، از جمله چشم پوشی کامل از تولید و استقرار سیستم های دفع ماهواره
- ۲- انجماد سطح کنونی سلاحهای هسته ای توسط همه کشورهای دارای این سلاحها
- ۳- ممنوعیت آزمایش سلاحهای هسته ای
- ۴- تعهد واشنگتن به عدم پیشدستی در استفاده از سلاح هسته ای.

تداوم موج همبستگی بین المللی
با معدنچیان اعتصابی بریتانیا

در حالیکه اعتصاب عظیم معدنچیان بریتانیا هفتمین ماه خود را پشت سر می گذارد، موج جدیدی از همبستگی بین المللی با معدنچیان اعتصابی به نمایش گذاشته شد. کارگران فرانسه اتحاد شوروی، چکسلواکی، جمهوری دموکراتیک آلمان، بلغارستان دانمارک و سوئد با ارسال کمکهای مالی و مواد غذایی بار دیگر نشان دادند که کارگران جهان اجازه نخواهند داد که همکارانشان در اثر سیاستهای دولت تاچر دچار قحطی شوند.

اتحادیه کارگری سراسری "ث.ژ.ت" و عظیم ترین اتحادیه کارگران فرانسه، بیش از ۴۰۰ تن مواد غذایی و ۶۰۰۰۰ پوند کمک مالی برای معدنچیان جمع آوری کرد. در همین حال یک کشتی دانمارکی که توسط اتحادیه حمل و نقل دریایی دانمارک تامین شده بود، در حالیکه شعار "ملوانان دانمارکی از معدنچیان بریتانیا حمایت می کنند" را بر خود نصب کرده بود، بهمراه ۲۰۰ تن غذا برای خانواده کارگران اعتصابی، در بندر "هال" لنگر انداخت. این کشتی که از بندر راستوک در جمهوری دموکراتیک آلمان حرکت کرده بود حاوی کمکهای غذایی بود که زیر نظر فدراسیون سندیکایی جهانی توسط کارگران کارخانه های کشورهای اتحاد شوروی، چکسلواکی، آلمان دموکراتیک، بلغارستان، دانمارک و سوئد جمع آوری شده بود.

"آگوستین تینین دفرنس" رهبر

معدنچیان فرانسه ضمن اعلام همبستگی با اتحادیه کارگران معدنچی بریتانیا اظهار نمود: "چگونه می توانیم بستن معادن و بیکار کردن دهها هزار کارگر را بپذیریم در حالیکه اروپا سالانه دهها میلیون تن زغال سنگ - از جمله زغال سنگهای آفریقای جنوبی که هنوز به خون و عرق کارگران معدنچی سیاه پوست، قربانیان رژیم آپارتاید آغشته است را وارد می کند."



جمعی از معدنچیان اعتصابی بریتانیا
همراه با خانواده هایشان در مسکو

مبارزه شما، مبارزه ماست و ما هر کاری از دستمان بر بیاید خواهیم کرد تا شما به پیروزی نایل شوید.
(به نقل از مورنیگ استار - ۱۵ اکتبر ۸۴)
ارگان حزب کمونیست بریتانیا

مذاکرات حافظ اسد در مسکو

سه شنبه ۱۶ اکتبر، حافظ اسد دبیر کل حزب سوسیالیست عربی بعث و رئیس جمهور سوریه با کنستانتین چرننکو دبیر کل حزب کمونیست و صد رهبر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی دیدار و گفتگو کرد. طرفین در این دیدار رضایت خود را از سطح عالی مناسبات همه جانبه اتحاد شوروی و سوریه، و نیز حزب کمونیست اتحاد شوروی، و حزب سوسیالیست عربی بعث، ابراز داشتند. حافظ اسد، از اتحاد شوروی به خاطر کمک های موثر آن به رشد اقتصادی سوریه و تحکیم قدرت دفاعی این کشور، تشکر کرد. در جریان مذاکرات، که در فضای تفاهم متقابل، دوستی و صمیمیت برگزار شد، رهبران دو کشور نگرانی خود را از ادامه وخامت اوضاع خاور نزدیک ابراز کردند. و طرف حق خلق فلسطین مبنی بر تشکیل یک دولت مستقل را مورد تاکید قرار دادند. کنستانتین چرننکو و حافظ اسد در رابطه با اوضاع بین المللی تاکید کردند. مشی کنونی دولت واشنگتن در تقابل خصمانه با منافع خلقهاست.

"مأموریت صلح"
ریچارد مورفی در خاور نزدیک

هم زمان با سفر ریچارد مورفی، مشاور وزارت خارجه آمریکا به خاور نزدیک و دیدارها و مذاکرات وی با سران کشورهای عربی، روزنامه

"تایمز سوریه" نوشت: "واشنگتن وتل آویو، دست در دست یکدیگر عمل می کنند و بحران های سیاسی - نظامی منطقه ای را یکی پس از دیگری به راه می اندازند تا اوضاع را به شدیدترین وجه متشنج نمایند. مداخله آمریکا و ناتو در لبنان در پایان سال گذشته، ادامه اشغال جنوب این کشور تا امروز، "بحران نفتکش ها" در خلیج فارس، "بحران مین ها" در دریای سرخ، حضور کشتی های آمریکایی در نزدیکی سواحل خاور نزدیک پس از انفجار سفارت آمریکا در بیروت - همه حلقه های زنجیر توطئه امپریالیستی داخ سفید و متحدین آن است." فرستاده وزارت خارجه آمریکا، که سفرا و به کشورهای عربی با اوج گیری مبارزات مردم جنوب لبنان علیه اشغالگران اسرائیلی و جنایات صهیونیستها علیه مردم لبنان مصادف گردید، ظاهراً با هدف ترغیب اسرائیل به خروج از لبنان به منطقه آمده است. اما از سوی دیگر، ریگان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تاکید کرده که سیاست خاورمیانه ای او، تنها و تنها در خدمت منافع اسرائیل است. بدین ترتیب، محتسب واقعی "مأموریت صلح" ریچارد مورفی، اعمال فشار به اعراب برای پذیرش "صلح آمریکایی" از نوع کمپ دیوید است.

تظاهرات علیه رژیم بنگلادش

یکشنبه گذشته صد ها هزار نفر از مردم داکا پایتخت بنگلادش طی تظاهراتی خواهان لغو حکومت نظامی در این کشور شدند. احزاب بزرگ مخالف رژیم نظامی بنگلادش، با برگزاری سه گرد همایی وسیع بر سر مخالفت خود با حکومت نظامی تاکید نمودند. رهبران اپوزیسیون بنگلادش، در گفتگو با نمایندگان مطبوعات، از جمله خواهان روی کار آمدن یک دولت موقت برای نظارت بر انتخابات پارلمان، که از سوی دولت نظامی تاریخ برگزاری آن اوایل دسامبر اعلام شد، نامست گردیدند.

توطئه های آمریکا علیه هند

به گزارش روزنامه "تایمز هندوستان" چاپ کلکته، یک عضو نمایندگی بازرگانی آمریکا در این شهر، حسین ارثه پیشنهاد دادن مبلغ هنگفتی به یک افسر بازنشسته هندی در ازاء تأسیس یک حزب طرفدار آمریکا توسط وی، به نام فساد. این نخستین بار نیست که شمه ای فعالیت - های توطئه گرانه و مداخله جویانه آمریکا علیه هند افشا می گردد. سال گذشته در دلهی یک شبکه مأمورین سیا که در راس آن "هاری ویوری" دیپلمات آمریکایی قرار داشت، کشف شد. همچنین به گفته "جاگجیت سنگ جواهران"، به اصطلاح رئیس جمهور "کشور خالستان" که می خواهند با جد کردن ایالت پنجاب از خاک هند، آن را به وجود آورند، تجزیه طلبان "سیک" با "سیا" آمریکا در تماس بوده و هستند.



کارگران، قربانی سیاست دروازه‌های باز

به دنبال واردات انبوه نخ از ترکیه، محصولات کارخانجات نخریسی کشور بی مشتری مانده است. نخ وارداتی باقیمتی ارزان تر از تولیدات داخلی عرضه میشود و در نتیجه نخ تولیدی کارخانجات کشور، در انبارها روی هم انباشته شده و حجم تولید ایستادن کارخانجات را تا حد قابل توجهی، پائین آورده اند.

از این سیاست ضد ملی رژیم جمهوری اسلامی، کارگران بیش از همه زیان می بینند. کارفرمایان و مدیران، با بهانه های مختلف، کارگران را دسته دسته از کار اخراج میکنند و یا پرداخت حقوق و مزایای آنان، سرباز می زنند. بر اساس یکی از گزارشاتی که در ایستادن زمینه رسیده است در کارخانه نساجی غرب (باختران) حقوق ماهیانه کارگران را با تاخیر بسیار پرداخت می نمایند. مسئولین کارخانه در پاسخ به اعتراض کارگران، اظهار داشتند تولیدات آنها قادر به رقابت با نخ وارداتی از ترکیه نیست و بازار از دست داده است. وضعیت مالی کارخانه وخیم شده و قادر به پرداخت منظم حقوق کارگران نیستیم. عذر بدتر از گناه مدیریت، خشم کارگران را برانگیخت. آنها حاضر نبودند تاوان باج حکومت را به رژیم نظامی ترکیه بپردازند. در نتیجه اعتراضات کارگران گسترده تر شد. کارگران هم چنین بر سر سطح نازل دستمزد و عدم تطابق آن با کار انجام شده و هزینه زندگی تاکید میکردند. واکنش مدیریت در برابر اوج گیری اعتراضات، اخراج تعداد زیادی از کارگران بود. ۳۲ کارگر که پنج تن از آنان زن بودند، به جرم بیان مطالبات خود در محیط کار اخراج گردیدند.

تنها پاسخ کارفرما

در کارخانه عالی نسب، به دنبال افزایش اعتراض کارگران به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، مدیریت کارخانه تهدید نمود که "با کوچک ترین حرکت شما این جا را پسر از پاسدار می کنم". این کارخانه که حدود ۲۰۰ کارگر دارد متعلق به حاج آقا عالی نسب مشاور اقتصادی دولت می باشد. پیش از این شورای کارگران کارخانه به دستور کارفرما و با همکاری انجمن اسلامی منحل شده بود.

گوشه‌هایی از اقدامات رژیم در دفاع از بزرگ مالکان

بازگشت فئودالها و بزرگ مالکان به روستاهای کشور ریاستاب ادامه دارد. پاسداران رژیم به تفنگچی های خونین بدل شده اند. از روستاهای سرتاسر کشور گزارشهای روزافزونی در این زمینه می رسد. فشرده های از اخباریک منطقه در غرب کشور راجع می کنیم.

● خوانین سنجابی، قلخانی، گوران و... که پیش از این متواری بودند، ازینها گاههای خود بدآمده و به سوی روستاها سرارزیده شده اند. فرارنده سپاه پاسداران منطقه در اجتماعی با حضور دهقانان از فئودالهای این منطقه بخاطر زینهایی که بعد از انقلاب دیده بودند، معذرت خواست و به آنها اطمینان داد که دهقانان اخلاک را برای همیشه از آنجا رانده شده اند. از جمله کسانی که به منطقه بازگشته است، عسگرخان سنجابی است. او چند سال قبل دستگیر و در باختران توسط دهقانان محاکمه شده بود. هیات هفت نفره با فئودالها جلسه مشترکی برگزار نمود. در این جلسه هیات هفت نفره قول داد که همه زمینهای مصادره شده به فئودالها بازگردانده خواهد شد. در ۲۶ مرداد جلسه دیگری در محل هیات هفت نفره باختران، با حضور خوانین مناطق سنجابی و گوران برپا شد. در این جلسه نحوه استرداد اراضی بررسی شد. از جمله فئودالهایی که در این جلسه شرکت داشتند، جهان بخش خان سعیدی بود که پس از انقلاب بخاطر خیانتهایش دستگیر و زندانی شده بود. این فئودال که در آن زمان مالک اراضی چهار روستا بود، بار دیگر موق شده است. بخش غالب املاک سابق را صاحب نماید.

● اسکندر خان دانیالی فئودال قدیمی منطقه گوران در مرداد ماه به املاک سابقش بازگشت. این فئودال که مطمئن بود، دهقانان حضورش را تحمل نکرده و بیرونش خواهند کرد، تعداد قابل توجهی پاسدارو ژاندارم به همراه آورد. دادگاه انقلاب اسلام آباد غرب، پیشتر حکم استرداد املاک او را صادر کرده بود. اسکندر خان در همان بدو و رد علاوه بر اینکه بر اراضی سابقش چنگ انداخت، مدعی گردید که دهقانان باید خسارت ناشی از آتش گرفتن خرمن - نخودها پیش راد رسال ۵۱ بپردازند. دهقانان با وجود تهدیدات پاسداران و سرنیزه ژاندارمها دست به مقاومت زدند و حاضر نشدند زمینهای خود را از دست بدهند. با مشاهده مقاومت کشاورزان، به دستور اسکندر خان، پاسدارها و ژاندارمها به سوی آنها هجوم بردند و دهقانانی را که همچنان با یکپارچگی مقاومت می نمودند، و حشیانه مورد ضرب و شتم قرار دادند. تعداد زیادی از روستاییان مجروح شدند که حال برخی از آنان تا مدت ها وخیم بود. در میان مجروحین

حتی زنان باردار و کودکان هم دیده می شدند. پس از سرکوب خونین مقاومت دهقانان، ده تن از آنان را دستگیر کردند. دستگیرشدگان را پیش از انتقال به زندان، ابتدا در همان محل روستا، به میان گل و لای آبیگر انداخته و با ضربات چوب و شلاق تشنه راسیاه می کنند.

● دادگاه انقلاب اسلام آباد غرب در رسیدگی به شکایت فئودال دستور داد دهقانان علاوه بر استرداد اراضی موظف هستند خسارت ناشی از آتش سوزی سال ۵۱ را به اسکندر خان بپردازند.

● در بخش صحنه، دهقانان و خوش نشینان روستای آب باریک شمالی، در برابر مالک سابق اراضی این روستا که همراه با نفرت مسلح سپاه وارد شده بود، دست به مقاومت زدند. در این روستا نیز دستور رفتو دال، پاسدارها به جمعیت دهقانان معترض حمله کرده و تعدادی را مجروح و مذبذب نمودند. دوازده تن از دهقانان و خوش نشینان دستگیر و زندانی گردیدند. در پی سرکوب، از طرف سپاه پاسداران سند مالکیت اراضی این روستا بنام فئودال مزبور صادر و به روستاییان ابلاغ گردید.

● در روستای میان راهان از توابع سنقر، اراضی فئودال روستا پس از انقلاب توسط دهقانان مصادره و فئودال از روستا رانده شده بود. اخیرا پاسدارها به روستا وارد شده و اراضی را از دست دهقانان بدر آورده و بار دیگر به فئودالها سپردند. آنها به اهالی این روستا اخطار نمودند که ایجاد هرگونه مزاحمتی برای این فئودال به سختی کیفر داده خواهد شد. بخاطر تهدیدات پاسدارها و فئودال، تاکنون سه خانوار دهقانی که پیش از این روی همین اراضی کشت می کردند، ناگزیر به مهاجرت گردیدند.

AKSARIYAT NO29 MONDAY OCT 22, 84

Address آدرس
 POSTFACH 23007 **السان فدرال**
 6500 MAINZ 23
 W. GERMANY
P.O. BOX 101 انگلستان
 LONDON N17 8YU
 ENGLAND
P.O. BOX 88156 ایالات متحدہ
 LOS ANGELES, CA 90068
 USA
C.P. 3125 ایتالیا
 00122 OSTIA LIDO (ROMA)
 ITALY
P.O. BOX NO 3018 ہندوستان
 NEW DELHI - 110003
 INDIA